

تالاشا  
بنه هلاکشا  
(۰۶)

# مجموعه مقالات

## همایش معماری مسجد:

## گذشته، حال، آینده

جلد دوم

ISBN 964-6518-16-4  
ISBN 964-6518-17-0

دانشگاه هنر

انتشارات  
دانشگاه هنر  
( ۲۰ )

مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (جلد دوم)

نویسنده: کارگروهی

زیر نظر: حوزه معاونت پژوهشی

ویراستار و صفحه آرا: محمد قره چمنی

طرح روی جلد: کیانوش غریب پور

حروفچینی: انتشارات دانشگاه هنر

امور چاپ: اصغر نوری

ناشر: دانشگاه هنر

چاپ اول، ۱۳۷۸

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: ارغوان

چاپ: آذروش

صحافی: سپیدار

ISBN 964 - 6218 - 15 - 6

شابک جلد دوم: ۹۶۴ - ۶۲۱۸ - ۱۵ - ۶

ISBN 964 - 6218 - 16 - 4

شابک دوره دو جلدی: ۹۶۴ - ۶۲۱۸ - ۱۶ - ۴

همایش معماری مسجد (نخستین: ۱۳۷۶: اصفهان).

مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده / [تهیه و تنظیم] دبیرخانه همایش:

ویراستار: محمد قره چمنی - تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۸.

۲ ج: مصور، نقشه‌های ساختمانی، جدول، نمودار - (دانشگاه هنر: ۱۹، ۲۰)

ISBN 964 - 6218 - 14 - 8 (ج. ۱) - (دوره دو جلدی) ISBN 964 - 6218 - 16 - 4 (ج. ۲)

۱۵۰۰۰ ریال: (ج. ۲) - ۲۰۰۰۰ ریال: (ج. ۱)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)

کتابنامه.

۱. معماری مساجد - ایران - کنگره‌ها. ۲. معماری اسلامی - ایران - کنگره‌ها. ۳. هنرهای تزئینی

اسلامی. ۴. مسجدها. الف. همایش معماری مسجد. دبیرخانه. ب. دانشگاه هنر. ج. عنوان.

۷۲۶/۲۰۹۵۵

NA۴۶۷۰/۵۸

۱۳۷۶

م ۷۸ ۱۳۶۸

کتابخانه ملی ایران

کلیه حقوق برای دانشگاه هنر محفوظ است.

## معماری مسجد از دیدگاه هتون دینی

رحیم نوبهار

مدرس حوزه و دانشگاه

### مقدمه

یک طراح متعهد باید در طراحی و ساخت «مسجد» سه محور را مورد توجه قرار دهد: اولاً، رسالت‌های مسجد و نقشهایی را که این نهاد مقدس در عرصه‌های گوناگون ایفا می‌کند، به خوبی بشناسد؛ تا بنای مسجد را متناسب با همان اهداف و رسالت‌ها طراحی کند.

محور دوم، لزوم آشنایی با احکام و آداب مسجد است؛ داشتن آگاهی‌های لازم در این زمینه به طراح کمک می‌کند تا مسجد را به گونه‌ای طراحی نماید که عمل به احکام مسجد هر چه بیشتر امکان پذیر باشد. مثلاً آشنایی با این نکته که نماز گزاردن روبروی در باز مکروه است، طراح را وادار می‌کند تا در صورت امکان، درهای شبستان مسجد را در سمت مقابل قبله جاسازی نماید.

محور سوم، آشنایی با توصیه‌های دینی است که در باره چند و چون بنای مسجد وجود دارد. اصولاً در ساختن هر بنایی با آن که مقررات و موازین پذیرفته شده معماری مورد توجه قرار می‌گیرد، به سلیقه و ذوق صاحب‌خانه نیز توجه می‌شود. این اصل در طراحی و ساخت ساز مسجد نیز مطرح است. یعنی در کنار توجه به اصول و مقررات معماری باید دید آیا صاحب‌خانه - که خداوند است - توصیه‌های خاصی در باره شیوه خانه خود دارد یا نه؟

بدیهی است هرگاه صاحب‌خانه در این زمینه دارای توصیه‌های خاصی باشد، باید سلیقه و خواست او را ملاک کار قرار داد. هرگاه خداوند متعال کیفیت خاصی را برای بنای خانه‌های خود در نظر گرفته باشد، چگونه می‌توان با مخالفت با آن، مسجدی به انگیزه تقرب به حق تعالی ساخت؟

هدف این نوشتار، پرداختن به محورهای اول و دوم نیست؛ هدف تنها بررسی باید‌ها و

نباید هایی است که در نصوص دینی پیرامون چگونگی معماری مسجد وجود دارد. چنانکه خواننده اذعان خواهد نمود گرچه اسلام شیوه ساخت و ساز مساجد را تا اندازه زیادی تابع شرایط و زمان و مکان قرار داده، ولی در این باره یک سلسله توصیه‌های الزامی و غیر الزامی نیز وجود دارد که باید مورد توجه طراحان قرار گیرد. بخشی از این توصیه‌ها از نصوص دینی که صریحاً پیرامون مسجد سخن گفته است، استفاده می‌شود. برخی از آنها هم از اصول و مقررات کلی اسلامی یا توصیه‌هایی که در دیگر زمینه‌ها وجود دارد و به گونه‌ای با مسجد ارتباط دارد، برداشت می‌شود.

بدیهی است برخی از این توصیه‌ها به گونه‌ای است که اگر در متون دینی هم ذکر نمی‌شد، عقل بشری بدان راه می‌یافت. زیرا همواره برخی از توصیه‌ها و دستورهای دینی جنبه ارشادی دارد؛ یعنی در حقیقت تأکیدی است بر همان چیزی که عقل آدمی آن را درک می‌کند. گرچه بخشی از آنچه در این دفتر گردآوری شده در فصل سوم از جلد اول کتاب سیمای مسجد نیز آمده است، ولی مطالب مورد بازنگری کلی قرار گرفته و مباحث و نکات فراوانی بدان افزوده شده.

در طرح مباحث سعی شده به نظریات گوناگون و گاه متضادی که در باره یک موضوع وجود دارد، اشاره شود تا زمینه برخورد آرا و انتخاب نظریه درست فراهم گردد. امیدوارم صاحب مسجد که خداوند مهربان است این تلاش اندک را به فضل خویش بپذیرد و آن را در راستای بهسازی ساخت و ساز مساجد، با برکت و مؤثر قرار دهد. بدیهی است تذکرات و راهنمایی خوانندگان عزیز بویژه استادان حوزه و دانشگاه هم موجب تکامل این اثر و هم مایه امتنان خواهد بود.

**رمز اهتمام مسلمانان به معماری مسجد**

مسلمانان در طول تاریخ بر پایه فرهنگ و تمدنهای ملی و بومی خود، سلیقه‌ها و شیوه‌های هنری گوناگونی را در ساخت و ساز مساجد به کار بسته‌اند. آنان برترین سبک‌های معماری و پدیده‌های هنری را در مساجد آفریده‌اند؛ تا آن جا که یکی از راه‌های شناخت فرهنگ و تمدن مسلمانان در هر عصری، کاوش در آفرینش‌های هنری است که در ساخت و ساز مساجد به کار رفته است.

در باره رمز و راز اهتمام والای مسلمانان در به کار بستن هنر و بویژه معماری در مساجد، برداشت‌های گوناگونی وجود دارد. بر پایه یک ارزیابی می‌توان گفت: مسلمانان به دلیل عظمت و قداستی که برای مسجد قایلند و آن را منسوب به خداوند بزرگ می‌دانند، تلاش می‌کنند تا خانه خدا را هرچه بهتر و با عظمت‌تر بسازند. شواهد فراوانی بر درستی این ارزیابی وجود دارد. حتی با نگاهی سطحی می‌توان پی برد که آفرینش بسیاری از پدیده‌های هنری در مسجد با پشتوانه عظیمی از عشق و ایمان بوده است؛ ولی این بدان معنا نیست که چنین تحلیلی

در همه موارد صادق است. واقعیت‌های خارجی به روشنی گواهی می‌دهد که همه مساجد مجلل و آباد بر پایه چنین نگرشی بنا نشده است. به عنوان نمونه، شروع به ساختن برخی از مساجد مجلل در شام توسط خلفای اموی، برخاسته از تأثیر پذیری از کلیساها و با انگیزه‌های سیاسی و رویارویی با پایگاه‌های دینی مسیحیت بوده است.<sup>۱</sup> برخی از مساجد با شکوه توسط حاکمان به ظاهر مسلمانی بنا شده که قصد داشته‌اند از این راه، یاد و نام خود را جاودان سازند و یا با سفارش به دفن بدنشان در کنار مسجد، گور خود را مصونیت بخشند و دارای موقعیتی ممتاز نمایند.

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که روی آوردن به آراستن مساجد و پر زرق و برق کردن آن، به دلیل کنار نهادن ارزش‌های حقیقی است. به سخنی دیگر، نوعی پیوستگی و همراهی میان گسستن از ارزش‌ها و گرایش به آراستن مساجد و مظاهر دینی وجود دارد. مثلاً در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَصَاحِفَ حُلِيَّتْ وَ الْمَسَاجِدَ زَيَّنَتْ وَ الْمَنَارَةَ طُوَلَتْ وَ اتَّخَذَ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ وَ الْمَسَاجِدَ طُرُقًا، الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ؛ أَمَا إِنْ مَسَّجِدَهُمْ مَزْحَرَفَةٌ وَ أُنْبَدَانُهُمْ تَقِيَّةٌ وَ قُلُوبُهُمْ أَتْنٌ مِنَ الْحَقِيقَةِ.»<sup>۲</sup>

«هرگاه دیدید قرآن‌ها را می‌آرایند و مساجد را تزئین می‌کنند و مناره‌ها را بلند می‌سازند و قرآن را با شعر و آواز می‌خوانند و مساجد را گذرگاه و راه عبور قرار می‌دهند، مؤمن در آن زمان از طلای سرخ و خالص کمیاب‌تر است؛ مساجدشان راسته، اندامشان پاکیزه، ولی قلبهایشان از مردار بدبو آلوده‌تر است.»

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است:

«مَا سَاءَ عَمَلُ قَوْمٍ قَطُّ إِلَّا زَحَرَفُوا مَسَاجِدَهُمْ.»<sup>۳</sup>

«هرگاه رفتار گروهی تباه شود، به تلاکاری و آراستن مساجد خود رو می‌آورند.»

از علی (ع) نیز نقل شده که فرموده است:

«إِنَّ الْقَوْمَ إِذَا رَفَعُوا مَسَاجِدَهُمْ فَسَدَّتْ أَعْمَالُهُمْ.»<sup>۴</sup>

«هرگاه مردم مساجد بلند بنا کنند، اعمالشان تباه گشته است.»

از چنین سخنانی به روشنی استفاده می‌شود که آراستن مساجد و پر زرق و برق کردن آنها یکی از نشانه‌های تباهی و فساد در کردار و رفتار جامعه است.

به نظر می‌رسد نکته روانی ملازمه و همراهی میان این دو پدیده آن است که انسان هم در رفتار فردی و هم در رفتار اجتماعی هرگاه از پرداختن به اصالت‌ها و ارزش‌های حقیقی دست برمی‌دارد، به آراستن ظاهر می‌پردازد. جامعه‌ای که در تضاد میان دین و دنیا، در حقیقت دنیا را برگزیده است، هرگاه حس مذهبی خود را به طور کامل از دست نداده باشد، برای پاسخ گفتن به ندای این حس، به آراستن مظاهر دینی همچون مساجد رو می‌آورد. گاهی هم پرداختن به این کار، ناشی از حس منفعت طلبی و کسب آبرو و حیثیت دنیوی است که ارتباطی

با روح خداخواهی و تعظیم شعایر الهی ندارد؛ زیرا بزرگداشت شعایر الهی، رفتار و منشی است برخاسته از تقوا و پرهیزگاری؛ نه از پشت پا زدن به ارزش‌های حقیقی.

به هر رو کنکاش در بارهٔ رمز و راز اهتمام مسلمانان نسبت به بکارگیری هنر و معماری والا در مساجد از نقطه نظر جامعه‌شناختی و روانشناسی، خود مباحث گسترده‌ای را می‌طلبد. چنانکه در مقدمه گذشت، مقصود این نوشتار تنها پرداختن به اصول و مقررات شرعی الزامی و یا غیر الزامی است که در ساخت و ساز مسجد باید مورد توجه قرار گیرد. پیش از پرداختن به ذکر رهنمودهای اسلام در این باره، نکاتی را به عنوان مقدمه یادآور می‌شویم.

یادآوری چند نکته:

### ۱. هنر اسلامی و هنر مسلمانان

تردیدی نیست که شیوه‌ها و اصول به کار رفته در ساخت و ساز مساجد زایندهٔ اندیشهٔ هنرمندانی است که تلاش کرده‌اند روح مکتب را در این هنرها به کار گیرند. ولی این بدان معنا نیست که هر آنچه انجام یافته، صد درصد اسلامی است و کسی نمی‌تواند ذره‌ای از آن عدول کند. در حقیقت کارکرد هنرمندان مسلمان باید با موازین مکتبی سنجیده شود و در هر زمینه، میزان انطباق آن با معیارهای دینی روشن گردد. ما نمی‌توانیم زیر پوشش دفاع از معماری سستی هر آنچه را که هست، مقدس و غیر قابل تغییر بدانیم. لازمهٔ این رویکرد بستن باب خلاقیت و ابتکار است که با جوهرهٔ خلقت انسان ناسازگار است. به علاوه لازمهٔ چنین رفتاری این است که اموری را به مکتب نسبت دهیم که چه بسا با معیارهای مکتبی سازگاری ندارد.

البته آنچه گذشت بدین معنا نیست که باب ابتکار و نوآوری صد درصد و بدون هیچ قید و شرطی باز است. هرگونه نوآوری و ابتکار باید هم با توصیه‌های دینی که در عرصهٔ ساخت و ساز مسجد وجود دارد، منطبق باشد و هم از مایه‌های سستی به خوبی الهام گرفته باشد. به سخنی دیگر در نزاع میان مدرنیسم و سنت‌گرایی باید از افراط و تفریط یعنی سنت‌ستیزی و سنت‌پرستی پرهیز شود.

### ۲. هنر اسلامی، هنر متعهد است

هنر اسلامی، هنر متعهد است. هنری که در هر جلوه‌ای، پیامی را به اعماق جان و دل نظاره‌گر خویش می‌فرستد. هنر برای هنری یعنی هنری پیام، هنر اسلامی نیست. از این رو یک اثر هنری هر اندازه در انتقال مفاهیم مثبت خود موفق‌تر باشد و بتواند با مخاطبان بیشتری ارتباط برقرار کند، به هنر اسلامی نزدیک‌تر است.

قرآن مجید که خود هنری اعجاز آمیز در عرصهٔ گفت‌وگو است، با وجود غنا، عمق و گستردگی بی‌اندازه، با هر کس به اندازهٔ توان فکری او ارتباط برقرار می‌کند. پیامبران و

امامان: نیز در عرصه سخن، آثاری این گونه از خود بجای گزاردند. بدین رو آثار هنری ای که در مساجد آفریده می شود، باید تا آن جا که ممکن است بتواند مخاطبان بیشتری داشته باشد. بویژه آن که مسجد، مجمع عمومی مسلمانان و جایگاه گرد آمدن قشرهای گوناگون است. راستی خلق آثاری که پیام و محتوای آن تنها برای چند نفر تحصیلکرده و متخصص قابل فهم و تحلیل است، چه اندازه با چنین مکانی همخوانی دارد و چقدر با روح هنر مکتبی سازگار است؟

از این جا اهمیت توجه به ذوق، سلیقه و خواست نسل کنونی روشن می شود. زیرا هر اثر هنری چنانچه بخواهد در انتقال مفاهیم موفق باشد، باید خواست ها و حساسیت های مخاطبان خود را به طور جدی و عالمانه بشناسد.

به اعتقاد نگارنده، بسیاری از آنچه اکنون تحت عنوان آثار هنری در مساجد ما خلق می شود، ارتباطی زنده و فعال با نسل کنونی و ذوق و سلیقه او ندارد؛ بی آن که خواسته باشیم از اهمیت و عظمت بسیاری از آثار کهن که در نوع خود گنجینه هایی ارزشمند است، بکاهیم. این رسالت هنرمند مسلمان است که با توجه به گرایش و خواست نسل کنونی در چارچوب موازین دینی و با الهام از آفرینش های سستی و کهن، آثاری دلکش، گیرا و جذاب بیافریند.

### ۳. معماری مسجد و تحولات اجتماعی

معماری به طور عام و معماری مساجد در هر عصر و زمانی از تحولاتی که در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... رخ داده، تأثیر پذیرفته است. بی گمان یکی از پرسش های مهم تاریخ از وجدان معماران عصر انقلاب اسلامی این است که معماری به طور عام و مخصوصا معماری مسجد در این دوران، از انقلاب اسلامی با آن همه عظمت و شگفتی چه تأثیری پذیرفت؟

مفاهیم والایی همچون جهاد، شهادت، ایثارگری، جانبازی و... در چه چهره ها و قالب هایی در معماری مساجد جلوه گر شده اند؟ بویژه آن که مسجد در مجموع دوران انقلاب اسلامی مخصوصا در دو دوره سخت و پرهیجان یعنی در سالهای اوج گیری انقلاب اسلامی و در طول دوران هشت ساله دفاع مقدس، خود خاستگاه جهاد و شهادت و یگانه کانون پرورش مبارزان و مجاهدان بوده است.

اکنون گرچه برای پرداختن به این مهم قدری تأخیر شده، ولی فرصت همچنان باقی است. انتظار می رود با همت و تلاش معماران متعهد - که سپاس خدای را شمار آنان کم نیست - برای رفع این نقیصه فکری بشود.

### ۴. مسجد، خاستگاه هنر مکتبی

در معماری هر عصری، جلوه ای خاص برتری داشته است. گفته شده آثار معماری دوران

هخامنشی مفاهیم قدرت، ابهت و عظمت حاکمان را به خوبی یادآور می‌شود و معماری دوران صفویان، مفهوم «دولت» را به خوبی نشان داده است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که معماری مساجد در دوران انقلاب اسلامی، یادآور چه مفاهیمی است و یا باید یادآور چه مفاهیمی باشد؟ به نظر می‌رسد افزون بر مواردی که در بند پیش اشاره شد، معماری مساجد در دوران انقلاب اسلامی باید بیش از هر چیز یادآور «هنر مکتبی» باشد. این بدان روست که انقلاب اسلامی با هدف تحقق بخشیدن به اندیشه‌های دینی و دین‌مداری در همه عرصه‌ها به وقوع پیوست. بدیهی است چنین انقلابی باید این مهم را ابتدا در اصلی‌ترین نماد دین که مسجد است، تحقق بخشد.

از این رو لازم است برای شناخت هنر مکتبی که باید در ساخت و ساز مساجد به کار بسته شود، قدمهایی جدی در عرصه تحقیقات علمی برداشته شود و سپس راهکارهای اجرایی این تحقیقات تعیین گردد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی درسی در این باره در دوره‌های دانشکده‌های معماری برای تحقق چنین هدفی سودمند باشد. به هر رو تلاش در این راستا، رسالتی است سنگین بر دوش اندیشمندان دینی و معماران متعهد و دردمند.

##### ۵. مسجد، تجلی‌گاه هنر پاک و خالصانه

می‌دانیم که هنر، عنایت یافتن وجود هنرمند در جهانی خارج از وجود اوست. پس به همان اندازه که هنرمند به زیبایی و صفای روح دست یافته باشد، اثر هنری‌اش زیبا و دلکش خواهد بود. پس اخلاص و صفای طراح مسجد، معمار و هنرمندی که در آن اثری می‌آفریند در برکت و زیبایی معنوی مسجد بسیار مؤثر است.

این تقوای بنیانگذاران مسجد قبا بود که سبب شد تا خداوند آنان و مسجدشان را بستاند؛ (لَمَسْجِدِ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا) اگر مسجدی بخواهد همچون مسجد قبا میمون و فرخنده باشد نه تنها نمازگزاران آن که طراحان، معماران، بانیان و حتی کارکنان بنای آن باید از کسانی باشند که دوستدار پاکی روح و روان‌اند.

یکی از نمودهای اخلاص و ورزی در بنای مسجد آن است که هنرمند با آفرینش اثر هنری خود در مسجد در جستجوی کمال و جمال حقیقی باشد و در هر پیچ و خمی تنها آن را بنمایاند؛ نه اینکه در صدد باشد «خود» را نشان دهد. به گفته یکی از نویسندگان: هنرمند باید خودش را در کمالات ذاتی فانی کند، تا اثرش نشان کمال مطلق باشد. و نه نمایانگر نفسانیت و خودیت.<sup>۵</sup>

رعایت این اصل در مسجد که خانه اخلاص و صفاست، بسی مهم‌تر از دیگر عرصه‌هاست. مسجد بنایی است که در آن جا تشخص‌ها و امتیازهای کثرت‌گرایانه نفی می‌شود. مسجد،



آینه‌ای است که تنها نشانگر صاحب آن خداست و باید رمزی از کمال و جمال مطلق باشد. تنها نگاهی کوتاه به برخی احکام فقهی مسجد، این حقیقت را آشکار می‌سازد. مسجد صاحب و مالکی جز خداوند ندارد؛ (وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ) حتی واقف و بانی مسجد پس از آن که شرعاً محلی را به مسجد اختصاص داد، از آن بیگانه است و فردی است همچون دیگران. واقف نمی‌تواند مسجد را به گروه و قشر خاصی اختصاص دهد، هر مسجدی از آن خدا و همه مسلمانان است.

پس این حقیقت والا باید به گونه‌ای در معماری مسجد تجسم و عینیت یابد و هر جزئی از اجزای مسجد به او اشارت داشته باشد. از این رو آثار به ظاهر هنری که با تمام وجود از سازنده خود سخن می‌گوید، یا مسجد را منسوب به غیر خدا می‌سازد، هیچ تناسبی با این بارگاه فرخنده و ملکوتی ندارد. اکنون با توجه به این نکات وارد بحث اصلی می‌شویم.

### رهنمودهای اسلام پیرامون بنای مسجد

تردید نیست که اسلام، چگونگی بنای مسجد را همچون هر بنای دیگری تا حدود زیادی تابع شرایط زمان و مکان و سلیقه‌های افراد قرار داده است. اصولاً ساختمان سازی با ارائه یک الگوی همگون برای همه مکان‌ها و زمان‌ها سازگاری ندارد؛ چه هر زمان و مکانی، نوع خاصی از معماری را می‌طلبد. مهم این است که بنای مسجد به گونه‌ای باشد که جوابگوی نیازهای مسجد باشد و این کانون مقدس را در ایفای رسالت‌های مهمی که در ابعاد گوناگون بر دوش دارد، توانمند سازد.

با این همه، اسلام رهنمودهایی کلی پیرامون شیوه بنای مسجد ارائه نموده است. طبیعی است که جهت‌گیری این رهنمودها در راستای تحقق بخشیدن به همان اهدافی است که مسجد برای آن بنا شده است. از این رو عدم رعایت این اصول چه بسا مسجد را از ایفای نقش خود باز دارد. در زیر برخی از این رهنمودها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### سادگی بنای مسجد

در باره سادگی بنای مسجد یک دیدگاه این است که چه کسی گفته است مسجد را باید ساده ساخت؟ وقتی در هیچ نص دینی، توصیه و تأکیدی صریح و روشن نسبت به ساده و بسیط بودن بنای مسجد نداریم، چرا خانه‌های خدا را که مظاهر دین بر روی زمین است، مجلل و پر زرق و برق نسازیم؟ طرفداران این دیدگاه، مسجد را گالری هنرهای اسلامی می‌دانند<sup>۷</sup> و برآنند که بهترین تصویرهای زیبایی و جمال باید در بنای مقدس مسجد تحقق یابد.

به علاوه خداوند متعال خود در قرآن کریم مردم را فرمان داده تا زینتهای خود را در مساجد به کار گیرند؛ (يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ)<sup>۸</sup> هر گاه این گفتار خداوند را با دید باز مورد توجه قرار دهیم می‌توان از آن برداشت کرد که انسان باید تلاش کند تا همه

زینت‌ها را در مسجد بکار بندد؛ و در این باره، فرقی میان اینکه هنگام مسجد رفتن خود را مزین کند یا زینت‌ها را در ساخت و ساز مسجد بکار گیرد، وجود ندارد. از سوی دیگر عالمان و بویژه فقیهان بزرگ اسلام، خود مساجدی مجلل و آباد بنا نهاده‌اند. از این جا روشن می‌شود که ساده سازی در مسجد، اصل نیست؛ زیرا وقتی آنان که مقررات اسلامی را هم خوب می‌شناسند و هم بدان متعهدند، این گونه عمل می‌کنند، معلوم می‌شود که در توصیه‌های دینی، منعی نسبت به مجلل ساختن مسجد وجود ندارد. نکته دیگر اینکه مسجد، بنایی سمبلیک است و نماد و نمود دین به شمار می‌رود. به تصریح قرآن کریم عزت از آن خدا و پیامبر (ص) و مؤمنان است.<sup>۱</sup> عظمت مسجد یادآور عظمت و عزت اسلام و مسلمانان است. بر عکس، محقر بودن آن چه بسا ضعف و فقر و ناتوانی مسلمانان را در اذهان، تداعی کند. پس باید تلاش کنیم خانه‌های خدا را هر چه باعظمت‌تر و مجلل‌تر بنا کنیم.

در مقابل این دیدگاه، ممکن است گفته شود: هر چند در نصوص دینی توصیه مستقیم و صریحی نسبت به اینکه بنای مسجد باید ساده و به دور از زرق و برق باشد، وجود ندارد؛ ولی هرگاه مسئله را با دیدی باز و به دور از جمودگرایی مورد بررسی قرار دهیم، می‌یابیم که اسلام می‌خواهد بنای مسجد، ساده و به دور از پیرایه‌های مادی باشد. بر اساس این دیدگاه، نهی از آراستن مسجد با طلا، نهی از نقاشی کردن مسجد، نهی از بلند ساختن دیوار مسجد و مناره آن و توصیه‌هایی از این قبیل همگی در راستای فراهم آوردن بنایی ساده برای عبادت و توجه به خداست.

این مسئله مورد توجه فقیهان پرآوازه‌ای همچون شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب گران سنگ «جواهر الکلام» قرار گرفته است. این فقیه نامی به هنگام ذکر دلیل برای حرمت طلاکاری مسجد می‌گوید: «یکی دیگر از ادله حرمت طلاکاری مسجد این است که کسی ادعا کند ما از روایات مربوط به مسجد مانند نهی از کنگره ساختن برای دیوار مسجد و بلند ساختن آن چنین می‌فهمیم که مسجد نباید با زیور و زینت‌های مادی آراسته شود؛ زیرا مسجد جایگاه پرستش و زهدورزی است؛ پس نباید همچون کاخ‌های سرگرمی و فریب و انس و شادی باشد؛ به علاوه هرگاه مسجد با طلا آراسته شود، چه بسا سبب شود تا نیت و قصد قربت آنان که به مسجد آمد و شد می‌کنند، مخدوش گردد.»<sup>۱۱</sup>

گرچه فقیه یاد شده این استدلال را برای اثبات حرمت تذهیب و طلاکاری مسجد مخدوش دانسته است؛ ولی انصافاً درستی اصل این سخن را می‌توان از مجموعه روایات مسجد، بی هیچ تکلفی برداشت نمود. مثلاً در حدیث ابن عباس از پیامبر (ص) آمده است که:

«أَمَرْنَا أَنْ تَبْنِيَ الْمَدَائِنَ شُرْفًا وَالْمَسَاجِدَ جُمَّا.»<sup>۱۲</sup>

«پیامبر (ص) ما را فرمان داد تا شهرها را مجلل بسازیم و مساجد را صاف ساده. و اژه جُمَّ جمع جُمَّاء و آن مؤنث اجم است. اجم در اصل به معنای گوسفند بدون شاخ

است؛ این واژه سپس از باب استعاره در مورد هر چیز صافی استعمال شده است. از این رو به قصری که قسمت فوقانی آن صاف و بدون کنگره باشد، «أجم» گفته می‌شود.<sup>۱۳</sup> از چنین احادیثی دو گونه می‌توان برداشت کرد. یک دیدگاه ممکن است بگوید: ما به اقتضای جمود بر الفاظ حدیث تنها از آن برداشت می‌کنیم که مسجد نباید کنگره‌دار باشد. برداشت دیگر از حدیث آن است که این تنها ساخت کنگره نیست که مذموم است؛ بلکه روی آوردن به آراستن مسجد و ایجاد زرق و برقهایی که آن را مجلل نماید و دارای جلوۀ ظاهری خیره‌کننده نماید، نیز نکوهیده است.

شواهد فراوانی دیدگاه اخیر را تأیید می‌کند. مثلاً بیهقی در کتاب «دلایل» از شخصی به نام عباده نقل کرده که: انصار از میان خود اموالی جمع کردند و خدمت پیامبر (ص) آوردند. عرض کردند: ای رسول خدا! با این اموال، مسجد را بساز و آن را زینت فرما. ما تاکی زیر این شاخه نخل نماز بخوانیم؟!<sup>۱۴</sup> پیامبر (ص) فرمود: «از شیوه و روش برادرم موسی رو نمی‌گردانم. مسجد باید خیمه‌ای همچون خیمه موسی (ع) باشد.»<sup>۱۵</sup> نکته دیگری که در ادامه گفت‌وگو میان دو دیدگاه یاد شده مطرح می‌شود این است که مسجد پیامبر (ص) در مدینه از نظر اصول کلی معماری به کار رفته در آن، الگوی مساجد اسلامی است؛ همان‌گونه که مسجد پیامبر (ص) ساده و بی‌پیرایه بنا شد، مساجد مسلمانان نیز باید چنین باشد.

هر چند ممکن است گفته شود: سادگی مسجد پیامبر (ص) به دلیل کمبود امکانات مسلمانان و وجود تنگناهای معیشتی بوده است؛ ولی انصاف آن است که چنانچه پیامبر (ص) می‌خواست مسجد خویش را بیاراید، فراهم کردن امکانات برای این کار بویژه در سالهای پایانی بعثت دشوار نبود. پیامبر (ص) می‌توانست با تکیه بر کمک‌های مالی مردمی که از ائثار جان و مال خود در راه خدا و رسول او دریغ نداشتند، خانه‌خدا را از نظر ظاهری رونق بخشد. همان‌گونه که بر پایه نقل مورخان، در مدینه خانه‌های مناسبی برای پذیرایی از میهمانان پیامبر (ص) یعنی هیئت‌های نمایندگی قبایل در نظر گرفته شده بود.<sup>۱۶</sup>

حتی نقل شده که زمانی دو تن از یاران پیامبر (ص) به نام عبدالله بن رواحه و ابودرداء در فکر آراستن مسجد بوده‌اند. آنان در باره هزینه مالی این کار با انصار هماهنگی کرده بودند و قرار بود اقداماتی در راستای تزیین مسجد پیامبر (ص) به عمل آید، ولی پیامبر (ص) پیشنهاد آنان را به شدت رد فرمود.<sup>۱۷</sup>

در مورد استدلال به آیه ۳۱ از سوره اعراف برای اثبات اینکه تجمل‌گرایی مسجد، امری پسندیده است، باید گفت: چنین برداشتی از آیه با الفاظی که در آن به کار رفته، سازگار نیست. در آیه یاد شده زینت به انسان‌ها اضافه شده و این گویای آن است که آیه تنها در مقام تشویق مسلمان‌ها به بکار بستن زینت‌هایی است که مربوط به انسان می‌شود؛ مانند: استعمال عطر، مرتب کردن موها، رعایت نظافت، پوشیدن لباسهای تمیز و... به سخنی دیگر، آیه یاد شده از

بیان استعمال زینت در ساخت و ساز مسجد ساکت است. آنچه گفته شد مبتنی بر آن است که در آیه مورد بحث واژه مسجد را به معنای خانه خدا بدانیم؛ چنانکه برخی از مفسران چنین گفته‌اند. ولی هرگاه بر اساس رأی گروهی دیگر از مفسران، واژه را به نماز تفسیر کنیم، آیه شریفه مستقیماً ارتباط به بحث ما نخواهد داشت. هر چند از آن رو که بر پایه سنت پیامبر (ص) مسلمانان معمولاً نماز را در مسجد بپا می‌دارند، باز هم فرمان به بهره‌گیری از زینت در نماز، به گونه‌ای با بکار بستن زینت در مسجد ارتباط پیدا می‌کند.

در باره شیوه و منش علمای اسلام پیرامون کیفیت بنای مسجد می‌توان چنین پاسخ داد که: اولاً همه عالمان و فقیهان بزرگی که مسجد ساخته‌اند، مساجدی مجلل بنا نهاده‌اند. بر عکس بسیاری از آنها هم مساجدی ساده و بی‌پیرایه ساخته‌اند.

به علاوه هر چند گفتار و کردار علما و فقهای بزرگ اسلام مورد احترام بوده و هست، اما آنچه دارای حجیت و قابلیت استناد است، تنها سنت قولی و عملی معصومان است. در پاسخ به این نکته که مسجد نماد دین است و باید آن را مجلل و باشکوه و عزتمند ساخت، ممکن است گفته شود: راه نمایش دادن عظمت اسلام و عزت مسلمانان تنها مجلل ساختن مسجد و پر زرق و برق کردن آن نیست. بر عکس سادگی که طبعاً همراه با ابهت و شکوه خاص خود نیز هست، می‌تواند نمایانگر عظمت اسلام باشد؛ زیرا سادگی هرگز با عظمت و شکوه معنوی، منافاتی ندارد.

نکته دیگر اینکه پرداختن به زرق و برقه‌های غیر ضرور در مساجد چه بسا در مواردی از مصادیق اسراف و تبذیر مال باشد که یکی از گناهان است. ضمن اینکه رواج تجمل‌گرایی در ساخت و ساز مساجد چه بسا فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت را که از ارزش‌های مسلم اسلامی است، رفته‌رفته در جامعه اسلامی کم رنگ کند.

در پایان این بحث باید یاد آور شویم که به کار بستن «هنر» در مسجد، الزاماً با ساده سازی آن منافات ندارد؛ مراعات همزمان «هنر» و «سادگی» هم امکان پذیر است و هم خود نوعی هنر است. این رسالت هنرمند مسلمان است که با تکیه بر معیارهای مکتبی که یکی از آنها ساده سازی است، مسجد را جذاب و دلکش بسازد. به قول بورکهارت، هنرشناس معروف: هنر دینی یک رمز و نماد است و به این اعتبار، وسایل ساده و ابتدایی آن را بس است.<sup>۱۸</sup>

در همین راستا باید یاد آور بود که میان زیبایی و جمال با سادگی و بی‌پیرایگی تضادی وجود ندارد؛ می‌توان مسجد را در عین سادگی، زیبا و دل‌انگیز ساخت. بی‌گمان خداوندی که خود زیباست و همه زیبایی‌ها را دوست می‌دارد که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» خواهان زیبا سازی خانه خود نیز هست. انسان نیز موجودی است که روح الهی و از آن جمله‌گرایش به زیبایی در او دمیده شده است و مسجد هم خانه خدا و هم خانه مردم است. پس نباید به بهانه ساده سازی مساجد بناهایی غیر جذاب یا نفرت‌انگیز بسازیم؛ بلکه باید تلاش نمود تا زیبایی و

دلکشی در خانه آن زیبای بی همتا جلوه گر شود. اما این زیبایی باید در چارچوب همان معیارهایی باشد که صاحب خانه تعیین نموده است.

### اصالت بنای مسجد

از جمله مسائلی که ذهن یک طراح متعهد را به خود مشغول می‌کند، این است که آیا می‌توان در ساخت و ساز مسجد از الگوی دیگر معابد مذهبی همچون کلیساها و کنسخت‌ها (معابد یهودیان) بهره برد؛ یا اینکه مسجد دارای بنایی با شخصیت ممتاز و مخصوص به خود است؟ با یک نگرش سطحی می‌توان گفت: در زمینه تقلید از سبک دیگر معابد، منعی از سوی پیشوایان دین به دست ما نرسیده؛ بنابراین، مانعی برای تقلید از سبک و سیاق دیگر معابد وجود ندارد. ضمن اینکه عقل حکم می‌کند از پیشرفت‌ها و تجربه‌های بشری که در حقیقت متعلق به همه بشر و محصول عمر انسان بر روی زمین است، بهره برداری کنیم.

برخی از نویسندگان این رویکرد را که مسلمانان در ساخت و ساز اجزای گوناگون مسجد از معماری دیگر بناها الهام گرفته‌اند، مورد ستایش قرار داده‌اند. نویسندگانی در این باره گفته است: «حقیقت آن است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می‌دید، اگر آن را درخور عظمت و جلال خدا می‌یافت، سعی می‌کرد تا به هنگام فرصت، برای آن جایی در مسجد باز کند؛ بدین گونه ستون مسجد را از آنچه در معابد بابل بود، گرفت. مناره و محراب را از کلیسا اقتباس نمود و ایوان و طاق آن را از قصرهای سلطنتی ساسانیان تقلید و أخذ کرد.»<sup>۱۹</sup>

البته سخن این نویسنده، ناظر به تقلید موردی و اقتباس در اجزای معماری مسجد است. بحث ما بیشتر ناظر به جایی است که تقلید و اقتباس، هویت مسجد را دگرگون سازد؛ به گونه‌ای که وجه تمایزی میان مسجد و دیگر معابد وجود نداشته باشد. معلوم نیست حتی نویسندگانی که بر تقلید موردی خرده نگرفته‌اند، تقلید از نوع دوم را روا بدانند.

به هر رو شواهدی از عقل و نقل، این دیدگاه را که میدان تقلید و اقتباس در عرصه ساخت و ساز مساجد کاملاً باز است، نفی می‌کند. از سخنان پیشوایان دین استفاده می‌شود آنان خواسته‌اند که مسجد تا مرز امکان دارای هویت و ساخت و سازی مستقل باشد و با معبد دیگر ادیان، همانند نگردد.

پیامبر (ص) پیش از مبعوث شدن به پیامبری، سفرهای متعددی به شام داشت. بی‌گمان وی در این سفرها که به قصد بازرگانی انجام می‌گرفت، معابد یهود و نصاری را از نزدیک دیده بود؛ با این حال در ساختن مسجد از روش آنان تقلید نکرد؛ بلکه اصرار داشت بنای مسجد همچون خیمه حضرت موسی (ع) باشد؛ یعنی نوعی از بنا که در آن زمان رایج نبود.

حتی پس از ساخته شدن مسجد النبی به پیامبر (ص) پیشنهاد می‌شد تا سبک بنای آن را تغییر دهد و بنایی مجلل همچون آنچه در سرزمین شام آن روزگار متداول بود، بسازد. ولی

پیامبر (ص) موافقت نمی فرمود. از شخصی به نام خالد بن معدان نقل شده که روزی عبدالله بن رواحه و ابودرداء، دو تن از یاران پیامبر (ص) با یک تکه نی، مسجد النبی را اندازه گیری می کردند. پیامبر (ص) آنان را دید، فرمود: چه کار می کنید؟ گفتند: قصد داریم مسجد رسول خدا را به سبک بناهای شام بسازیم؛ مخارج آن هم بر انصار تقسیم می شود. پیامبر (ص) فرمود: نی را بیاورید؛ نی را از آنان گرفت، به سمت در مسجد حرکت کرد و از کنار در، آن را به بیرون پرتاب کرد؛ آنگاه فرمود:

«كَلَّا؛ ثُمَامٌ وَ حُثَيِّبَاتٌ وَ ظِلَّةٌ كَظِلَّةِ مُوسَى، وَالْأَمْرُ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ؛ قِيلَ: وَ مَا ظِلَّةٌ مُوسَى؟ قَالَ: إِذَا قَامَ أَصَابَ رَأْسُهُ السَّقْفُ.»<sup>۲۰</sup>

«هرگز؛ مسجد باید از علف و چوب و به شکل سایبانی همچون سایبان موسی ساخته شود. کار نزدیک تر از آن است (که شما می پندارید). گفته شد: مقصود از سایبان موسی چیست؟ فرمود: هنگامی که پیا می خواست سرش با سقف برخورد می کرد.»

و در برخی روایات آمده است که مقصود از خیمه موسی آن است که بلندی آن به قدری باشد که هرگاه دست خویش را بلند می کرد، به سقف سایبان می رسید.<sup>۲۱</sup>

ما با وجود چنین نقلهای تاریخی نمی توانیم نظریه برخی از مستشرقان مانند لوسین گلون که گفته اند: میان مساجد اولیه مسلمانان و کلیساها نوعی مشابهت وجود داشته،<sup>۲۲</sup> را بپذیریم. به نظر می رسد این گونه نظریه ها با مبانی فکری صاحبان آن بیشتر منطبق است تا با واقعیت های خارجی. گرچه بعید نیست که چون مسجد و کلیسا هر دو معبد است، بتوان شباهت هایی میان آن دو یافت؛ زیرا طبیعی است که معماری یک معبد با معماری خانه متفاوت است.

در روایتی دیگر از پیامبر (ص) پیرامون آراستن مساجد آمده است

«لَا تُزَخِّرُوا مَسَاجِدَكُمْ كَمَا زَخَّرَفَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى بِيَعْمَهُمْ.»

«شما همچون یهود و نصاری که معابد خود را با طلا زینت کردند، مساجد را طلاکاری نکنید.»

می دانیم که احکام اسلامی تابع مصلحت و مفسده است؛ یعنی آنچه بدان فرمان داده شده، دارای مصلحتی است و آنچه از آن نهی شده، فسادی در بر دارد. گرچه مصالح و مفاسدی که در احکام الهی نهفته است، همواره برای ما قابل فهم نیست؛ ولی رمز و راز احکام الهی گاه در نصوص دینی به گونه ای صریح یا غیر صریح بیان شده است. در این جا می توان از عبارت حدیث یاد شده چنین برداشت کرد که یکی از علل منع از طلاکاری مساجد، پرهیز از ایجاد شباهت میان مساجد با معابد یهود و مسیحیان است.

در سخنان امامان معصوم: هم شواهدی وجود دارد که نشان می دهد آنان تلاش کرده اند بنای مسجد، هویت و اصالت خود را حفظ کند و ساخت و ساز مساجد تحت تأثیر روش ساخت دیگر معابد قرار نگیرد. مثلاً در خبر آمده است که علی (ع) در کوفه مسجدی را مشاهده نمود که دیوارهای آن دارای کنگره بود. فرمود: «این مسجد، همانند معبد یهود و

نصاری است. مساجد را باید صاف و بی کنگره ساخت.»<sup>۲۳</sup>  
 این گفتار امام (ع) به روشنی اشعار می نماید که راز نهی از کنگره ساختن برای مسجد حفظ اصالت و هویت آن و پرهیز از تشابه میان آن با پرستشگاه های دیگر ادیان است.  
 در همین زمینه شخصی به نام ابو هاشم جعفری گفته است: نزد امام عسکری (ع) بودم. امام (ع) فرمود: هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام کند، فرمان می دهد تا مناره ها و مقصوره ها (اتاق های کوچکی که در محراب مساجد ساخته می شد) ویران شود. ابو هاشم می گوید: بی آن که از امام (ع) سؤال کنم، با خود گفتم: چرا چنین می شود؟ امام (ع) رو به من کرد و فرمود: زیرا ساختن مناره و مقصوره در مسجد بدعت است و هیچ پیامبر و امامی آن را در مسجد بنا نکرده است.<sup>۲۴</sup>

چنانکه پس از این خواهد آمد مقصوره، اتاق کوچکی است که در محراب مساجد ساخته می شده و امام جماعت در آن قرار می گرفته است. پیشوایان دین در باره ساخت این پدیده، واکنش های شدیدی نشان داده اند. امام باقر (ع) در باره آنها فرموده است: «ساختن اتاق های کوچک در محراب، از بدعت های خلفای ستم پیشه است.»<sup>۲۵</sup>  
 گرچه از روایات استفاده می شود که یکی از علل مخالفت امامان: با ساخت مقصوره در مسجد این است که این اتاقکها میان امام و مأموم فاصله ایجاد می کند، ولی از لحن روایات چنین بر می آید که بدعت بودن مقصوره هم در مخالفت پیشوایان دین با ساخت آن در مسجد، مؤثر بوده است.

چنین روایاتی در ضمن، این باور را هم در ما تقویت می کند که ساخت و ساز مسجد و اجزا و عناصر آن دارای اصول و معیارهایی است؛ به گونه ای که نمی توانیم هرچه را بخواهیم در آن بسازیم یا هرچه را که هست از بین ببریم. وقتی امام (ع) می فرماید: مقصوره را هیچ پیامبر و امامی در مسجد نساخته است، روشن می شود که مسجد دارای بنایی اصیل و با ویژگی هایی مخصوص به خود است.

در روایات مسجد از پدیده ای به نام «محراب های داخل دیوار» سخن به میان آمده است. گرچه برخی احتمال داده اند که مقصود از این محراب ها همان مقصوره باشد؛ ولی به احتمال قوی تر منظور از آن محراب هایی است که دارای فرورفتگی زیادی در دیوار مسجد باشد. در باره این محراب ها آمده است که امیرالمؤمنین (ع) آنها را ویران می نمود و می فرمود:  
 «این ها شبیه به محراب یهودیان است.»<sup>۲۶</sup>

ما از این گفتار امام به روشنی استفاده می کنیم که همانند ساختن محراب مسجد با محراب معبد یهودیان، کاری نکوهیده است.

علاوه بر آنچه گذشت روایاتی در دست است که هم به طور کلی و هم در موارد جزئی ما را از تشبه به یهود منع می کند. مثلاً از پیامبر (ص) نقل شده که فرموده است: «حیاط خانه های تان را جارو کنید و همانند یهودیان نباشید.»<sup>۲۷</sup>

نباید پنداشت که مقصود از نهی از مشابهت با یهودیان، تنها مشابهت با آنان در کارهای نارواست. مثلاً چون یهودیان در آن زمان بهداشت و نظافت را رعایت نمی‌کردند و خانه‌های خود را تمیز نگه نمی‌داشتند، پیامبر(ص) مسلمانان را تنها در همین زمینه از مشابهت با آنان باز داشته است؛ زیرا روایات دیگری در دست داریم که نشان می‌دهد پیشوایان دین خواسته‌اند ما مسلمانان از نظر ظاهری همچون آنان نباشیم و به سخنی دیگر مرزی استوار میان آداب، رفتار و زندگی اجتماعی ما با آنان وجود داشته باشد. شخصی به نام یزید بن خلیفه گفته است: در حالی که کلاهی بر سر داشتم، گرد خانه خدا طواف می‌کردم. امام صادق(ع) مرا دید، فرمود: «گرد خانه خدا این کلاه را مپوش؛ این لباس نشان یهودی‌گری است.»<sup>۲۸</sup>

حتی روایت پیشین هم بر مدعای ما دلالت می‌نماید. زیرا گرچه مورد روایت، مربوط به بهداشت خانه است؛ ولی نهی از تشابه با یهودیان، مطلق و کلی است.

اصولاً چنانکه در روایات آمده، تشابه با هر کس چه خوب و چه بد رفته رفته مرزهای موجود را از بین می‌برد و هر دو همانند را یکی می‌سازد؛ که «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ عَدُوِّهِمْ» این گونه روایات در صدد نیستند تا ما را نسبت به مطلبی تعبدی، مقید سازند؛ بلکه از یک واقعیت خارجی خبر می‌دهند. تأثیر همگونی ظاهری بر همگونی باطنی، چیزی نیست که بتوان آن را انکار نمود. پیشوایان دین با این گونه توصیه‌ها تلاش نموده‌اند تا میان مسلمانان و پیروان دیگر ادیان تمایز وجود داشته باشد.

بدین رومی توان گفت: مفاد این گونه روایات بیانگر مطلبی است که عقل سلیم نیز آن را می‌پذیرد. به سخنی دیگر این روایات مؤکد همان مطلبی است که عقل نیز بدان حکم می‌کند. از نقطه نظر عقلی، لزوم پرهیز از مشابهت با یهودیان و مسیحیان در مورد ساخت و ساز مسجد دارای اهمیت و تأکید بیشتری است؛ زیرا وقتی مظهر و نماد دین که مسجد است، هویت ظاهری خود را از دست بدهد و معماری مسجد در معماری کلیسا و کنیسه ذوب گردد، شکوه و ابهت اسلام به کلی پایمال می‌شود. آیا مکتبی که مدعی است از غنای کامل برخوردار است و پیروان دیگر ادیان را به سوی خود فرا می‌خواند، می‌تواند از نمادی ممتاز و مخصوص به خود برخوردار نباشد؟ وقتی مسجد در ساخت و ساز خود سر بر آستان کلیسا و کنیسه فرود آورد یعنی محتوای مکتب هم سر تسلیم فرود آورده است.

پرسشی که ممکن است در این جا مطرح شود این است که پیامبر(ص) در پاسخ به برخی از مسلمانان که اصرار داشتند، مسجد آن حضرت دارای سقف باشد، فرمود: «نه؛ مسجد را باید به شکل خیمه‌ای همچون خیمه موسی(ع) بنا کرد.»<sup>۲۹</sup> آیا این گفتار و کردار پیامبر(ص) نشانگر این نیست که آن حضرت در مورد شیوه بنای مسجد خویش کاملاً از معبد ادیان پیشین تقلید کرده‌اند و ما هم مجازیم در موارد مشابه چنین کنیم؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت: رسول اکرم(ص) در این باره از پیامبر بزرگی که پیش از او مبعوث شده بود، پیروی کرد و نه از قوم یهود. پیامبر اکرم(ص) هیچ‌گاه مسلمانان را از تشبه به



عیسی و موسی (ع) نهی نموده است؛ بر عکس قرآن مجید و روایات، خصوصیات والای اخلاقی و اجتماعی این دو پیامبر بزرگ رایان کرده‌اند، تا آنان الگو و اسوه عملی مسلمانان و همه انسان‌ها شوند. مسلمانان از پیروی از قوم یهود و نصاری که متأسفانه دارای افکار، اخلاق و آداب انحرافی فراوانی هستند، بازداشته شده‌اند.

به سخنی دیگر اصرار پیامبر (ص) مبنی بر اینکه مسجد باید به شکل خیمه موسی (ع) باشد، نشانگر آن است که مراعات این شیوه در بنای معبد یک حکم الهی است که برای هر دو شریعت وضع شده است؛ همان‌گونه که ممکن است احکام دیگری که میان دو مذهب مشترک است، وجود داشته باشد.

در حقیقت، عمل پیامبر (ص) استمرار این حکم را برای پیروان اسلام روشن می‌سازد. حال آن‌که در مورد دیگر تقلیدها از یهود و نصاری نه تنها استمرار احکام آنها برای شریعت ما ثابت نشده؛ بلکه بر پایه نصوص دینی، اصل آن است که از تشبه به آنها پرهیز شود.

در روایتی که پیشتر ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرد، آمده بود که: «پیامبر (ص) ما را فرمان داد تا شهرها را با کنگره و مساجد را صاف بسازیم.»<sup>۳۰</sup> با توجه به توضیحی که در باره معنای حدیث گذشت، چنین برداشت کنیم که اسلام خواسته است ساختمان بنای مسجد حتی در مقایسه با خانه‌های معمولی مسلمانان، متفاوت و دارای هویتی مستقل باشد. وقتی تا این اندازه بر حفظ اصالت و هویت بنای مسجد تأکید شده، چگونه می‌توان همانند سازی مسجد با دیگر معبدها را روا دانست؟

نکته‌ای که در پایان این بحث باید بدان پرداخت این است که ممکن است گفته شود: وقتی بسیاری از اجزایی که اکنون در مساجد ساخته شده و حتی جزء ضروری آن و از اصول معماری سنتی به شمار می‌آید، نوعی اقتباس از دیگر معابد است؛ چگونه می‌توان تقلید از معماری دیگر معبدها را مردود دانست و آن را نکوهیده شمرد؟

در پاسخ بدین پرسش باید گفت: ساخت و ساز هر چیزی در مسجد به همان اندازه که جنبه اقتباس و تقلید از دیگر معابد دارد، از اصالت لازم برخوردار نیست.

البته بی آن‌که خواسته باشیم از همه اجزایی که اکنون در ساخت یک مسجد به کار می‌رود دفاع کنیم، به نظر می‌رسد معماران مسلمان تلاش کرده‌اند در اجزای وارداتی تصرفاتی بنمایند و آن را متناسب با اهداف، رسالت‌ها و جایگاه مسجد در آورند. در عین حال هرگاه ثابت شود وجود چیزی در مسجد صرفاً تقلیدی و وارداتی است، چه انگیزه‌ای داریم که از ساخت آن در مساجد مسلمانان دفاع کنیم و آن را «ارزش» و «سنت» تلقی نماییم؟

### جایگاه مسجد در سلسله مراتب شهری

در رهنمودهای دینی صریحاً جای خاصی از شهر و منطقه مسکونی برای مسجد سازی تعیین نشده است. هر چند با توجه به تأکیدات فراوان دین نسبت به حضور در مسجد و گرم و

پر رونق نگهداشتن آن می توان گفت: اسلام مایل است مسجد در مناطق پر جمعیت ساخته شود. یا به سخنی دیگر جاهای اصلی و پر جمعیت یک منطقه مسکونی حتما از نعمت مسجد برخوردار باشد. پیامبر (ص) مسجد خویش در مدینه را در نقطه‌ای ساخت که اگر هم در آغاز مرکز و محور نبود، ولی با تدبیرهایی که به کار بست، بعدها جنبه مرکزی پیدا کرد؛ زیرا آن حضرت خانه و محل سکونت خود و خویشاوندانش را گرداگرد مسجد قرار داد.

محوریت مسجد از نقطه نظر تقسیم‌بندی جغرافیای شهری در آبادانی و رونق مسجد بسیار مؤثر است و این چیزی است که مطلوب شریعت اسلام است. بویژه آن که در اسلام تأکید فراوانی نسبت به حضور در مسجد جامع و مساجد پر جمعیت شده است. ساختن مسجد در جاهای اصلی و مرکزی هم چنین سبب می‌شود تا یکی از اهداف تشریح نماز جماعت که بُعد تبلیغی آن است، تأمین شود.

با این حال هر شهر و منطقه‌ای همچنان که به مساجد جامع و اصلی نیازمند است، به مساجد کوچک و محلی نیز احتیاج دارد؛ زیرا نزدیک بودن محل اقامت و کار افراد با مسجد در افزایش حضور آنان در مسجد مؤثر است. بویژه آن که بسیاری از مردم به دلیل مشکلات کاری، بیماری و ... نمی‌توانند فاصله‌ای طولانی را پیمایند و خود را به مسجد برسانند.

از این رو در ساخت مساجد جدید باید اصل نیاز را مورد توجه قرار داد؛ یعنی مسجدی بسازیم که واقعا بدان نیاز باشد. ساختن مساجد کوچک و نزدیک به هم هرگاه نیازی بدانها نباشد، زمینه برگزاری اجتماعات پرشکوه را که اسلام بدان اهمتامی فراوان دارد، از بین می‌برد. پیامبر (ص) در این باره محدودیت‌هایی را به کار می‌بست. آنگاه که قبیله مزینه و بنی کعب از آن حضرت درخواست کردند تا همچون دیگر قبایل در محل خود مسجدی بسازند، پیامبر (ص) چون محل سکونت آنان با مسجد النبی چندان فاصله‌ای نداشت، با پیشنهادشان موافقت ننمود و فرمود: مسجد من مسجد شماست. شما صحرای متصل به مرکز و شهرید، و باید هرگاه شما را خواندم، اجابت نمایید.<sup>۳۱</sup>

هرگاه مسجدی در نزدیکی مسجد دیگر به قصد ضرر زدن به آن ساخته شود، چه بسا بتوان گفت از مصادیق مسجد ضرار است و باید از ساخت و ساز آن جلوگیری شود.

از دیگر نکاتی که در طراحی مساجد باید مورد توجه قرار گیرد این است که باید تلاش نمود جایی به مسجد اختصاص یابد که در طرح‌های شهری آینده به چیز دیگری تبدیل نشود؛ زیرا تبدیل مسجد به خیابان، کوچه، میدان و مانند آن تنها در شرایط استثنایی جایز است. برخی از فقیهان بر آنند مسجدی که مثلا در مسیر خیابان قرار می‌گیرد و به خیابان تبدیل می‌شود حتی پس از آن نیز همچنان برخی از احکام مسجد همچون حرمت تنجیس و وجوب تطهیر بر آن جاری می‌شود.

گرچه بسیاری از فقیهان این دیدگاه را نفی می‌کنند، ولی این نکته که نمی‌توان مسجد را به آسانی به خیابان و ... تبدیل کرد، مورد اتفاق همگان است. این امر اقتضا می‌کند به هنگام تعیین

زمین مسجد، نهایت پیش‌بینی و آینده‌نگری را به کار بندیم.

### محکم سازی مسجد

محکم سازی در خلقت و آفرینش، شیوه و روش خداوند است؛ (صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ).

پیامبر (ص) در همه زمینه‌ها مسلمانان را به محکم کاری و محکم سازی سفارش می‌نمود. وقتی ابراهیم فرزند آن حضرت وفات کرد، پیامبر (ص) خود بر قبرش حضور یافت و ناهمواری‌ها را با دست خود صاف می‌کرد. آنگاه فرمود: «هرگاه کسی کاری بر عهده گرفت، باید آن را محکم و استوار انجام دهد.»<sup>۳۲</sup> پیامبر (ص) هم چنین هنگام دفن سعد بن معاذ در قبر او رفت و با سنگ و گِل سوراخ‌های قبر را می‌پوشاند. پس از پایان کار فرمود: «می‌دانم که این‌ها به زودی می‌پوسد، ولی خداوند دوست دارد هرگاه بنده‌ای کاری انجام می‌دهد محکم کاری کند.»<sup>۳۳</sup>

رعایت استحکام و محکم سازی در بنای مسجد دارای اهمیتی ویژه است؛ زیرا مسجد بنایی سمبلیک است و باید از نسلی به نسل دیگر به ارث برسد. پیامبر (ص) نسبت به استوار ساختن مساجد اهتمامی ویژه داشت. در سنن ابوداود به نقل از سلیمان بن سمره آمده است که: «پیامبر (ص) فرمان می‌داد تا مساجد را خوب بسازیم و آن را پاک و پاکیزه نگه داریم.»<sup>۳۴</sup> در هنگام بنای مسجد النبوی، مردی از حَضْر مَوْت که خوب گِل را خمیر می‌کرد، مشغول به کار شد. پیامبر (ص) فرمود:

«خدا رحمت کند کسی که خوب گِل را به عمل آورد و به آن مرد می‌فرمود: تو کار به هم زدن گِل را انجام بده؛ می‌بینم این کار را خوب انجام می‌دهی.»<sup>۳۵</sup>

شخص دیگری هم به نام طلق بن علی که اهل یمامه و از طایفه بنی حنیفه بوده نقل کرده است: در حالی که پیامبر (ص) و یارانش مشغول بنای مسجد بودند، بر آنان وارد شدم. گویا پیامبر (ص) کیفیت کار آنان را نمی‌پسندید. من بیل را از دست آنان گرفتم و گِل را مخلوط کردم. پیامبر (ص) کار مرا پسندید؛ فرمود: «کار به هم زدن گِل را به این مرد بسپارید؛ او بهتر از شما گِل را به عمل می‌آورد.»<sup>۳۶</sup>

معمولا معماران مسلمان در بنای مسجد، اصل استوارسازی را مورد توجه قرار داده‌اند. نیاکان ما بر همین اساس، مساجدی بنا نهاده‌اند که قرن‌ها پابرجا بوده است. مسجد فهرج یزد با پیشینه‌ای در حدود ۱۴ قرن، یکی از این مسجدهاست.<sup>۳۷</sup>

### طلا کاری مسجد

نظریه مشهور در میان فقیهان این است که آراستن مسجد با طلا حرام است.<sup>۳۸</sup> معمولا در متون فقهی معتبر آمده است که: «یحرم زخرفة المساجد».

برای واژه «زُخْرُفَة» دو معنا گفته شده؛ برخی از دانشمندان لغت شناس بر آنند که زخرفه به معنای آراستن چیزی با طلاست. گروهی هم معتقدند زخرفه هرگونه آراستن را شامل می‌شود. ترجیح دادن معنای دوم، یعنی پذیرفتن اینکه هم در روایات و هم در متون فقهی، از آراستن مسجد نهی شده است.

به نظر می‌رسد گرچه واژه زخرفه در مطلق آراستن نیز به کار رفته است؛ ولی معنای اصلی و اولی آن، همان آراستن با طلاست. چنانکه کتاب‌های لغت معتبری همچون الصحاح، قاموس، عین و مقایس همین معنا را برگزیده‌اند.<sup>۳۹</sup>

فقیهان برای اثبات حرمت طلاکاری مسجد - افزون بر مشهور بودن حکم - به دلایل دیگری نیز استناد جسته‌اند. برخی این کار را اسراف و حرام دانسته‌اند. گروهی از آن روکه طلاکاری مسجد در زمان پیامبر (ص) متداول نبوده، آن را نوعی بدعت دانسته‌اند. چنانکه پیشتر گفته شد این نکته که بنای مسجد در اسلام بر اساس سادگی و بی‌پیرایگی است نیز یکی از ادله فقها برای اثبات حرمت طلاکاری مسجد است.

افزون بر این همه، روایاتی وجود دارد که آراستن مسجد با طلا را نکوهش می‌کند. مثلاً در وصیت پیامبر (ص) به ابن مسعود در مقام سرزنش رفتار منافقان امت اسلام در آخرالزمان آمده است که: «خانه‌ها می‌سازند، قصرها پیا می‌کنند و مساجد را می‌آرایند».<sup>۴۰</sup> در حدیث دیگری از پیامبر (ص) - که پیشتر گذشت - نیز صریحاً از آراستن مسجد با طلا نهی شده بود.

با این همه، برخی از فقیهان همچون شهید اول در کتاب دروس، ادله فوق را برای اثبات حرمت کافی ندانسته و آن را مکروه شمرده‌اند. فقیهان سده اخیر معمولاً یا طلاکاری مسجد را صریحاً حرام دانسته‌اند و یا بنا بر احتیاط و جوبی ترک آن را توصیه نموده‌اند.

### نقاشی کردن مسجد

بسیاری از فقیهان، نقاشی کردن مسجد را اعم از آن که نقش، ساده و بدون سایه یا برجسته باشد و نیز اعم از آن که نقش، صورت موجود دارای روح یا فاقد روح باشد، حرام دانسته‌اند.

در مورد اخیر برخی هم قایل به تفصیل شده، بر آن‌اند که تنها نقاشی صورت موجودات دارای روح، حرام است و نقش موجودات بی‌روح مانند گل و گیاه در مسجد مکروه است.

فقها برای اثبات حرمت نقاشی در مسجد به اموری استناد جسته‌اند؛ یکی از آنها این است که نقاشی کردن مسجد، بدعت است. به علاوه در خبر عمرو بن جمیع آمده است که می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره مساجدی که دارای نقش و صورت است، پرسیدم. امام (ع) فرمود: این کار را دوست نمی‌دارم، ولی در دوران ما ضرری به شما نمی‌زند. اگر عدل برپا بود می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد».<sup>۴۱</sup>

این روایت علاوه بر آن که از نظر سند دارای اشکال است، دلالت روشنی هم بر اثبات

حرمت ندارد. از این رو برخی از فقیهان همچون شهید اول قایل به کراهت نقاشی مسجد شده‌اند.<sup>۴۲</sup> بویژه آن که در خبر علی بن جعفر آمده است که از برادر امام کاظم (ع) در باره نقاشی که در قبله مسجد با گچ یا رنگ ساخته می‌شود، پرسیدم؛ امام (ع) فرمود: «مانعی ندارد».<sup>۴۳</sup> این روایت چه بسا بتواند مفسر خبر عمرو بن جمیع و گویای این باشد که مقصود از آن روایت، بیان کراهت است و نه حرمت.

با این حال بسیاری از فقیهان از آن رو که حرمت نقاشی مسجد فتوای فقهای بزرگ گذشته است و در میان آنان کسانی بوده‌اند که جز در مورد مسایل قطعی فتوا نمی‌داده‌اند و در مدارک احکام شرعی هرگز تسامح نمی‌نموده‌اند، معتقدند دست کم بنا بر احتیاط و جوبی باید از کردن مسجد خودداری شود. بویژه آن که فتوای به حرمت در کتاب‌هایی نقل شده که مضامین آن معمولاً همان مفاد اخبار و روایات است.

با آن که نقاشی مسجد با گل و بوته بر اساس رأی اکثریت فقیهان دست کم مکروه است، ولی شاید کمتر مسجدی را بتوان یافت که به گونه‌ای با گل و بوته، نقاشی نشده باشد. هر چند برخی از هنرمندان مسلمان در طرحهای موسوم به «اسلمی» یا «اربسک»<sup>۴۴</sup> تلاش کرده‌اند حضور گل و گیاه را تا اندازه‌ای کم رنگ کنند.

هنرشناسان هم در باره رمز نهی از نقاشی در مسجد تحلیلهای گوناگونی ارائه نموده‌اند. مثلاً بورکهارت هنرشناس معروف گفته است: وجود نداشتن تصاویر در مساجد از یک سو به معنای برداشتن هرگونه «حضور» است که ممکن است در مقابل «حضور نامرئی» خداوند جلوه کند و از سوی دیگر، تأکید بر جنبه تنزیه خداوند است؛ بدین معنا که ذات مقدس او را نمی‌توان با هیچ چیز سنجید.<sup>۴۵</sup>

یک نویسنده مسلمان نیز در این باره گفته است: «اسلام، دینی فراتر از مادیات است. در این مکتب، رابطه بنده با پروردگار بر اساس تجرد از هر آن چه که غیرمادی باشد، استوار است. از این رو در مساجد، تصویر وجود ندارد تا بندگان بدون هیچ واسطه‌ای چه واسطه بشری و چه غیر بشری به خداوند متصل شوند».<sup>۴۶</sup>

#### نصب عکس در مسجد

در باره نصب عکس در مسجد به خودی خود، منعی وارد نشده و حکم نقاشی کردن مسجد را ندارد. هر چند نماز خواندن رو به روی عکس و یا در جایی که عکس وجود دارد، حتی اگر رو به روی نمازگزار نباشد، مکروه است. از این رو نماز خواندن در مسجدی که عکس در آن نصب شده باشد، مکروه است. برای رفع کراهت می‌توان هنگام نماز روی عکسها را پوشاند.

#### نوشتن آیات قرآن بر دیوارهای مسجد

نوشتن آیات قرآن، احادیث معصومان و حتی کلمات حکمت آمیز حکیمان بر دیوارها و سر

در مساجد، معنی ندارد. از برخی روایات استفاده می‌شود که مستحب است بر بالای هر ساختمانی که بلندی آن از هشت ذراع<sup>۴۷</sup> بیشتر باشد، آیه‌الکرسی نوشته شود.<sup>۴۸</sup> علی بن جعفر می‌گوید: از برادر امام کاظم (ع) پرسیدم: آیا جایز است در سمت قبله مسجد، قرآن یا چیزی که گویای یاد خداست نوشته شود؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد.<sup>۴۹</sup> ابو خدیجه یکی از یاران امام صادق (ع) هم گفته است: دیدم که در سمت قبله جایگاه نماز آن حضرت، آیه‌الکرسی نوشته شده.<sup>۵۰</sup>

نوشتن آیات قرآن بر در و دیوار مسجد به طور ناخود آگاه این احساس را در کسی که به مسجد وارد می‌شود ایجاد می‌کند که قرآن وجود او را فرا گرفته و او در فضایی عطر آگین از قرآن تنفس می‌کند. این کار هم چنین ارتباط عمیق «قرآن» را با «عبادت» و حتی با همه تار و پود زندگی مسلمانان نشان می‌دهد.

هنرمندان مسلمان پس از آن که برای ورود به عرصه نقاشی و مجسمه سازی در مسجد، محدودیت‌هایی فراروی خود دیده‌اند، عرصه خط و نوشتن را مجال خوبی برای ابراز ذوق هنری خود دانسته و بدان روی آورده‌اند. آنان در این زمینه، آثاری آفریده‌اند که در نوع خود از شاهکارهای هنری به شمار می‌آید. تردیدی نیست که طراحی‌های موجود در کتیبه‌های مساجد هر کدام پیامی دارد. سبک و سیاق خطها هر کدام حس معنوی خاصی را در بیننده به وجود می‌آورد. با این حال، پیام روشن و اصلی آیات و روایات نباید در لابلای این پیام‌ها گم شود. به دیگر سخن، سزاوار است نوشته‌ها به گونه‌ای باشد که قابل خواندن باشد. نکته دیگر در این باره، ضرورت تحول و توجه به سلیقه‌ها و احساسات نسل حاضر است. اگر زمانی خط کوفی برای ایرانیان، خطی بدیع، شگفت انگیز و جالب بوده است، آیا برای نسل کنونی نیز همچنان جالب و دل‌انگیز است؟ در این جاست که ارزش و اهمیت هنرمند مبتکر و نوآور روشن می‌شود؛ چه او باید ضمن حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های کهن به فراخور نیازها و تمایلات صحیح کنونی، هنری نو بیافریند. هنری که در عین اصالت، جذاب و دلکش باشد، و هدف نهایی هنر متعهد را که ایجاد کشش به حقیقت، مذهب و نمادهای مذهبی است، برآورده سازد.

#### سقف ساختن برای مسجد

برخی از فقیهان بی سقف بودن مسجد را مستحب دانسته‌اند. گروهی پا را فراتر نهاده، سقف ساختن برای مسجد را مکروه شمرده‌اند.<sup>۵۱</sup> مستند این حکم، روایت عبدالله بن سنان است که در آن، کیفیت بنای مسجد پیامبر (ص) بیان شده است. در بخشی از این روایت آمده است:

«دیوارهای مسجد ساخته شد؛ بی آن که سقفی داشته باشد. چون گرما به مسلمانان فشار آورد، گفتند: ای رسول خدا! کاش فرمان می‌دادید تا برای مسجد سایبانی ساخته شود.

پیامبر(ص) موافقت نمود و فرمان داد تا ستون‌هایی از تنه درخت خرما در مسجد بپا کنند و روی آن را با تیرهای چوبی و برگه درختان و اذخر (که گیاهی معطر و خوشبوست) بپوشانند. هنگام بارش باران، از سقف مسجد آب ریزش می‌کرد. مسلمانان از پیامبر(ص) درخواست کردند سقف مسجد گل مالی شود تا آب باران به داخل ریزش نکند. پیامبر(ص) با پیشنهاد آنان موافقت نکرد و فرمود: مسجد باید سائبانی شبیه به خیمه موسی(ع) باشد. ساختمان مسجد پیامبر(ص) تا هنگام رحلت آن حضرت به همین شکل باقی ماند.<sup>۵۲</sup>

از نقل‌های تاریخی که در این باره وجود دارد و برخی از آنها گذشت روشن می‌شود که پیامبر(ص) بر حفظ چنین وضعیتی این کیفیت برای مسجد خویش اصرار داشته است. این رو پیروی از سنت و روش عملی ایشان ایجاب می‌کند که گفته شود مستحب است مسجد بدون سقف ساخته شود. ضمن اینکه بی سقف بودن مسجد باعث می‌شود تا میان نمازگزار و آسمان، فاصله نباشد. از روایات استفاده می‌شود که این امر در قبولی نماز و اجابت دعا مؤثر است.<sup>۵۳</sup>

به علاوه روایات دیگری از پیشوایان دین در دست است که نشان می‌دهد این روش باید در صورت امکان همواره در ساخت و ساز مساجد اعمال شود. در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است:

«اولین اقدام قائم ما (امام مهدی «عج») آن است که سقف مساجد را ویران می‌کند و مساجد را به شکل خیمه حضرت موسی(ع) می‌سازد.»<sup>۵۴</sup>

مسلمانان با توجه به تصویری که از شکل مسجد پیامبر(ص) داشته‌اند، نسبت به نمازگزاردن در مساجد سقف دار که بعدها رایج شده، نگران بوده‌اند و در این باره از امامان می‌پرسیده‌اند. در روایت معتبر حلبی آمده است که از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا نمازگزاردن در مساجد سقف دار، مکروه است؟ امام(ع) فرمود: «آری؛ ولی امروزه ضروری برای شما ندارد. اگر عدل بر پا بود، می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد؟»<sup>۵۵</sup>

با این حال با توجه به اینکه حتی مسجد پیامبر(ص) هم کاملاً رو باز نبوده و دارای سائبان بوده است، مشکل است بتوان گفت رو باز بودن مسجد به طور کامل و در هر شرایطی مستحب است یا اینکه سائبان داشتن مسجد حتی اگر مانند سائبان مسجد پیامبر باشد، باز هم مکروه است. جز اینکه گفته شود: ساختن سائبان برای مسجد پیامبر(ص) آن گونه که از روایت عبدالله بن سنان فهمیده می‌شود به دلیل ضرورت و احتیاج شدید مسلمانان بوده است. از همین رو فقیه نامی، شیخ محمدحسن نجفی بر آن است که: در صورت عدم احتیاج، درست کردن هرگونه سقف و سائبان برای مسجد مکروه است. هرگاه برای دفع سرما و گرما به سائبان نیاز باشد، می‌توان سائبانی که سقف نباشد، برای مسجد ساخت. اما ساختن سقفی که حالت سائبان نداشته باشد، در هر حال حتی در صورت نیاز مکروه است.<sup>۵۶</sup>

نکته دیگری که ذهن بسیاری از فقیهان را به خود مشغول کرده این است که در بسیاری از

مناطق برای دفع سرما و گرما به سقف نیاز هست؛ به گونه‌ای که بدون آن چه بسا حضور در مسجد برای بسیاری از مردم قابل تحمل نباشد. از این رو فقیه بزرگی همچون شهید اول گفته است: شاید مقصود از اینکه سایبان درست کردن برای مسجد، مکروه شمرده شده، آن است که برای تمام فضای مسجد سایبان درست شود؛ شاید هم مقصود، نهی از نوع خاصی سایبان (یعنی سقف) باشد. شاید هم نهی که در اخبار وجود دارد مربوط به مناطقی است که نیازی به سایبان نیست.<sup>۵۷</sup>

بسیاری از فقیهان، رأی شهید اول را بی آن که در باره آن اظهار نظری کنند، نقل کرده‌اند. برخی هم با وی موافقت نموده‌اند. مثلاً شهید ثانی گفته است: رو باز بودن بخشی از مسجد هم کافی است؛ زیرا در بیشتر مناطق برای دفع سرما و گرما نیاز به سقف وجود دارد.<sup>۵۸</sup> فقیهان سده اخیر این مسئله را در کتاب‌های فقهی مطرح نکرده‌اند. در حالی که در باره مواردی مانند بلند بودن مناره مسجد و بلند بودن دیوار آن صریحاً اظهار نظر نموده و آن را مکروه شمرده‌اند. شاید به نظر آنان ادله کراهت از استواری لازم برخوردار نبوده است. بویژه آن که در بسیاری از مناطق جهان، شرایط آب و هوایی به گونه‌ای است که بی سقف بودن مسجد سبب می‌شود تا شمار زیادی از مردم نتوانند در خانه خدا حضور یابند. در دوران ما در صورت وجود امکانات می‌توان از طرح «سقف متحرک» مانند آنچه اکنون در مسجد پیامبر (ص) در مدینه وجود دارد، استفاده کرد. چنانچه مسجد بزرگ باشد، اجرای این طرح حتی در بخشی از آن هم مناسب است. این کار باعث می‌شود تا اندازه‌ای به روایاتی که در این باره وجود دارد، عمل شود.

بویژه آن که روایت حلبی گویای این نکته هم هست که اگر شرایط اجازه دهد باید برای بدون سقف بودن مساجد تلاش کرد؛ زیرا امام (ع) فرمود: «اگر عدل برپا بود می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد».

ظاهر روایت یاد شده آن است که امام (ع) برای مردمی حکم به عدم کراهت نموده که نسبت به ساختن مسجد بدون سقف اختیاری نداشته‌اند. اما هرگاه گروهی در شرایط عادی و بدون وجود مانعی بخواهند مسجد بنا کنند و برای آن سقف بسازند، تردیدی در کراهت آن نیست. برخی از فقها همچون کاشف الغطاء حتی نماز گزاردن در چنین مسجدی را مکروه دانسته‌اند.<sup>۵۹</sup> البته کراهت در این جا و موارد مشابه به معنای کم بودن ثواب است نه اینکه نماز گزاردن در چنین مساجدی مرجوح است.

در این جا مناسب است این نکته را یاد آور شویم که در مورد «مصلی» تأکید بیشتری نسبت به بی سقف بودن آن شده است. مصلی، مکانی است رو باز که در خارج از شهر برای نمازهای عید قربان و فطر و نماز استسقاء (نماز باران) در نظر گرفته می‌شود و احکام مسجد بر آن جاری نیست. از پیامبر (ص) نقل شده که در باره مصلای خود فرموده است: «اینجا محل تجمع ما و جایگاه نماز باران و دعا در عید فطر و قربان است. کسی حق ندارد در اینجا خشت



بر خشت نهد یا برای آن حد و مرز تعیین کند.» و بنا بر نقل دیگری فرموده است: کسی حق ندارد آن را تنگ کند و چیزی از آن بکاهد.<sup>۶۰</sup>

مصلاهی پیامبر (ص) در حقیقت قطعه زمینی در خارج از شهر و فاقد هرگونه بنایی بود.<sup>۶۱</sup> پیروی از سنت پیامبر (ص) ایجاب می‌کند که تا مرز امکان مصلاها را همچون مصلاهی آن حضرت بسازیم. بویژه آن که روایات فراوانی از پیامبر (ص) و اهل بیت وی گویای آن است که مستحب است نماز عید در صحرا و جایی روباز خوانده شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «سزاوار نیست که نماز عید فطر و قربان در مسجد سقف‌دار یا در خانه برگزار شود. نماز عید را باید تنها در صحرا یا مکانی روباز بجای آورد.»<sup>۶۲</sup> حتی روزی به پیامبر (ص) پیشنهاد شد تا نماز عید فطر یا قربان را در مسجد خویش بجای آورد. ولی پیامبر (ص) موافقت نکرد و فرمود: دوست دارم زیر آسمان نماز را بجای آورم.<sup>۶۳</sup> پیامبر (ص) حتی کف مصلاهی خود را با حصیر و بوریا فرش نکرد؛ زیرا دوست داشت در نماز عید پیشانی را بر زمین عریان بگذارد.<sup>۶۴</sup>

#### بلند ساختن مسجد

بسیاری از فقیهان، بلند ساختن مسجد را مکروه دانسته‌اند.<sup>۶۵</sup> در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «مَا أَمَرْتُ بِتَشْيِيدِ الْمَسَاجِدِ.»<sup>۶۶</sup> «من به بلند ساختن مسجد مأور نشده‌ام.»

بلند ساختن مسجد با سنت عملی پیامبر (ص) هم سازگاری ندارد؛ زیرا بر اساس روایت عبدالله بن سنان بلندی دیوار مسجد پیامبر (ص) به اندازه قامت یک انسان بوده است.<sup>۶۷</sup> مضمون این روایت که از امام صادق (ع) است، در منابع اهل سنت نیز آمده است. سمهودی از امام صادق از پدر بزرگوارش امام باقر (ع) نقل کرده که بلندی دیوار مسجد پیامبر (ص) قبل از آن که روی آن سایبان بسازند، قدری بیشتر از قامت یک انسان بوده است.<sup>۶۸</sup> هم‌چنین نقل شده که هنگامی که پیامبر (ص) می‌خواست مسجد خویش را بسازد، جبریل بر وی نازل شد و عرض کرد: بلندی مسجد باید هفت ذراع (حدود چهار متر) باشد. مسجد را نیارای و آن را نقاشی نکن.<sup>۶۹</sup>

در روایتی از علی (ع) هم - که پیشتر گذشت - آمده است: «هرگاه کردار مردمی تباه شود، مساجد را بلند می‌سازند.»<sup>۷۰</sup> به علاوه روایات زیادی وجود دارد که از ساختن هر بنایی با بلندی بیش از هشت ذراع (در حدود چهار متر) نهی می‌کند.<sup>۷۱</sup>

احتمال می‌رود این دستور، قاعده‌ای کلی برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست؛ شاید هم این توصیه مخصوص به جامعه‌ای است که زمین مسکونی در آن فراوان است و نیازی به تن دادن

به مشکلات آپارتمان سازی وجود ندارد؛ این احتمال هم وجود دارد که چون ساختن بناهای بلند متداول نبوده، ساختن آن به طور موردی مایه فخر فروشی و مباهات و غرور بوده و لذا مورد نکوهش قرار گرفته است؛ گرچه ظاهر روایات یاد شده با احتمال اول سازگارتر است. از سوی دیگر قرآن کریم، مساجد را خانه‌هایی توصیف نموده که خداوند خود به برپایی آن فرمان داده است: (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ).<sup>۷۲</sup> چه بسا گفته شود کلمه «رُفِعَ» در این آیه، هم رفعت و بلندی معنوی و هم بلندی ظاهری را شامل می‌شود. بنابراین حتی اگر بنا شود در آپارتمانهای چند طبقه مسجد بنا شود، باید طبقه فوقانی آن به مسجد اختصاص یابد تا مسجد از بناهای مجاور پایین‌تر نباشد و رفعت ظاهری مسجد تأمین شود.

ولی به نظر می‌رسد با توجه به مضمون آیه یاد شده، مقصود از رفعت، همان رفعت معنوی است. بعید به نظر می‌رسد این آیه ناظر به چگونگی ساختمان مسجد باشد. همان‌گونه که آیات دیگری از قرآن مجید که مسلمانان را به عمارت و آبادانی مسجد تشویق می‌کند،<sup>۷۳</sup> گرچه به عمران ظاهری مسجد هم نظر دارد؛ ولی نسبت به چگونگی ساختن مسجد ساکت است. به هر حال اگر بپذیریم که بلند ساختن مسجد، مکروه است، در باره میزان بلندی، اندازه خاصی در روایات ذکر نشده است. از این رو، ملاک در این باره، قضاوت عرف و مردم است. بدیهی است قضاوت مردم در این زمینه - همچون بسیاری دیگر از زمینه‌ها - بسته به زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت خواهد بود.

نکته دیگری که در رابطه با بلند ساختن مسجد باید مورد توجه قرار گیرد این است که به اعتقاد بسیاری از فقیهان هرگاه فاصله طبقات فوقانی مسجد تا طبقه پایین که امام جماعت در آن قرار می‌گیرد، زیاد باشد نماز جماعت آنان که در طبقه‌های بالا به امام اقتدا می‌کنند، خالی از اشکال نیست. بدیهی است توجه به این نکته، طراحی‌های خاصی را در بنای مسجد اقتضا می‌کند؛ مانند اینکه طبقات فوقانی به جای اختصاص یافتن به مصلاهی زنان، به مکان‌هایی مانند کتابخانه، سالن اجتماعات و... اختصاص یابد.

در مواردی که مسجد توسط مسلمانان و در منطقه‌ای که بیشتر مردم آن غیر مسلمانند ساخته می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان مسجد را کوتاه‌تر از کلیساها و یا حتی خانه‌های مردم غیر مسلمان ساخت؟

در فقه اسلامی، قاعده‌ای به نام «نفی سبیل» وجود دارد که مضمون آن معمولاً مورد پذیرش فقیهان است.<sup>۷۴</sup> بر اساس این قاعده، هرگونه سلطه و چیرگی کافران بر مسلمانان مردود است. با توجه به این قاعده چه بسا گفته شود: در صورت امکان، بنای مسجد نباید کوتاه‌تر از خانه‌های غیر مسلمانان و یا کلیساها باشد؛ زیرا کوتاه بودن مسجد در این فرض، گویای چیرگی کافران بر مسلمانان است؛ به علاوه همان‌گونه که اسلام، عزیز و متعالی است، نماد آن هم که مسجد است باید متعالی و عزتمند باشد.

ولی به نظر می‌رسد این استدلال، نادرست است؛ زیرا کوتاه بودن دیوارهای مسجد مسلمانان نسبت به خانه‌های کافران و یا حتی کلیساها به خودی خود مستلزم سلطه کافران بر مسلمانان نیست.

هرچند این نکته قابل توجه است که از نقطه نظر تبلیغی، وجود مسجدی برجسته و نمایان در یک سرزمین غیر اسلامی می‌تواند یادآور اسلام باشد و توجه مردم را به این آیین و مراسم پرشکوهی همچون نماز جماعت جلب کند. به ویژه آن که بر پایه گفتاری از امام رضا(ع) یکی از جنبه‌های نماز جماعت - که معمولاً در مسجد برگزار می‌شود - بعد تبلیغی آن و نقشی است که در اتمام حجت بر جهانیان ایفا می‌کند. در حدیثی از امام رضا(ع) آمده است که:

«نماز جماعت از آن رو تشریح شده که اخلاص ورزیدن، موحد بودن و اسلام و پرستش خداوند، روشن، آشکار و علنی باشد؛ زیرا اظهار این گونه امور مایه اتمام حجت خداوند بر ساکنان مشرق و مغرب زمین است...»<sup>۷۵</sup>

بدیهی است همان گونه که اصل برگزاری نماز جماعت و کیفیت آن در تبلیغ مؤثر است، چگونگی بنایی که نماز جماعت در آن جا برگزار می‌شود نیز در این رابطه بسیار مؤثر است. از این رو هرگاه بتوان مسجد را در نقطه‌ای ساخت که به خودی خود مرتفع و بلند است، بسیار مناسب خواهد بود؛ زیرا در این صورت مجبور نیستیم مسجد را بلند بسازیم تا مرتکب عملی که احتمالاً مکروه است، شده باشیم و هم به مفاد قاعده «نفی سبیل» عمل کرده‌ایم و هم به هدف تبلیغی یاد شده، دست پیدا کرده‌ایم. هر چند در این صورت باید تلاش نمود تا مسجد دارای راه‌های مناسبی برای رفت و آمد نمازگزاران باشد.

### ساختن کنگره برای مسجد

گروهی از فقیهان، کنگره ساختن برای دیوارهای مسجد را مکروه دانسته‌اند. مقصود از کنگره‌ای ساختن دیوارهای مسجد آن است که در انتهای دیوارها یا پشت بام مسجد شکل‌هایی مانند مربع، مثلث و با فاصله‌های معین از یکدیگر ساخته شود.

گفته شده اولین کسی که برای مسجد کنگره ساخته، عمر بن عبدالعزیز بوده، برخی هم ساختن کنگره را به عبدالواحد، والی مدینه در سال ۱۴۰ هـ.ق. نسبت داده‌اند.<sup>۷۶</sup>

در روایات پیامبر و اهل بیت آن حضرت: از ساختن کنگره در مساجد نهی شده است. در حدیثی که شیعه و سنی آن را از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند، آمده است:

«ابْنُوا الْمَسَاجِدَ وَاجْعَلُوهَا جُمَّاً»<sup>۷۷ و ۷۸</sup>.

«مساجد را صاف و بدون کنگره بسازید.»

در روایتی از علی(ع) هم - که پیشتر گذشت - کنگره دار بودن مسجد مورد انتقاد قرار گرفته بود. روایت مزبور اشعار می‌داشت که علت نهی از این کار آن است که مساجد مسلمانان

با معابد یهودیان و مسیحیان همانند نشود. از برخی روایات استفاده می‌شود که مراعات این روش در ساخت و ساز مساجد یک اصل کلی است و همواره باید مورد توجه قرار گیرد. در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا.»  
 هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام می‌کند، کنگره‌های مساجد را ویران می‌نماید.  
 این روایت، هم استمرار این حکم و هم اهمیت آن را می‌رساند و هم نشانگر این است که وجود مقدس امام زمان (عج) اهتمام ویژه‌ای به امور مساجد دارد.

### مناره مسجد

مناره در لغت به معنای جایگاه نور است. نام دیگر مناره، مأذنه یعنی محل اذان گفتن است. به مناره، گلدسته هم گفته می‌شود. از روایات استفاده می‌شود که مسجد پیامبر (ص) مناره نداشته است. علی بن جعفر می‌گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: آیا اذان گفتن در مناره سنت است؟ امام (ع) فرمود: «برای پیامبر (ص) بر روی زمین اذان گفته می‌شد؛ در آن زمان مناره‌ای نبود.»<sup>۷۹</sup>

در روایت دیگری آمده است که پیامبر (ص) با فرا رسیدن وقت نماز، بلال را فرمان می‌داد تا بالای دیوار مسجد برود و اذان بگوید.<sup>۸۰</sup>  
 زنی از قبیله بنی‌نجرار هم گفته است: «خانه من بلندترین خانه در کنار مسجد پیامبر (ص) بود. بلال هر روز صبح قبل از سحر بر پشت بام خانه‌ام به انتظار طلوع فجر می‌نشست و با مشاهده فجر اذان می‌گفت.»<sup>۸۱</sup>

این گونه نقل‌ها منافاتی با یکدیگر ندارد؛ زیرا ممکن است اذان گفتن بر روی زمین، دیوار و بالای خانه، هر کدام در یک دوره زمانی رایج بوده یا اینکه هر کدام مربوط به یکی از اوقات پنجگانه بوده است.

در باره اصل مناره گفته شده که مناره در اصل مربوط به آتش پرستان بوده است. آنان در بالای مناره آتش بر می‌افروختند تا مردم آن را نظاره کنند و بپرستند. گفته شده: مسلمه بن مخلد انصاری فرماندار معاویه در مصر اولین کسی است که به فرمان معاویه برای مسجد مناره ساخته است.<sup>۸۲</sup>

در کتابهای فقهی معمولاً دو نکته پیرامون مناره مسجد مطرح شده است. اول اینکه مکروه است مناره را از پشت بام مسجد بالاتر ببرند. در روایتی آمده است که علی (ع) فرمان داد تا مناره بلندی را خراب کنند. آنگاه فرمود: مناره را باید هم سطح با پشت بام مسجد ساخت.

روایت دیگری گویای آن است که امام زمان (عج) مناره‌های مساجد را ویران می‌کند.<sup>۸۳</sup> گرچه ظاهر این روایت نشانگر آن است که ساختن مناره برای مسجد به کلی نکوهیده است؛ ولی چه بسا می‌توان گفت: این روایت ناظر به همان مناره‌های بلندی است که در بسیاری از

مساجد وجود دارد.

از دیگر مستندات فقیهان در این زمینه آن است که بلند بودن مناره مسجد چه بسا سبب شود تا مؤذن یا هر کس دیگری که بالای مناره رود، بر همسایگان مسجد مُشرف شود و مایهٔ اذیت و آزار آنان گردد.<sup>۸۴</sup>

به هر رو آنچه در باره مناره، مسلم است اینکه بلند ساختن آن مکروه است. چنانکه پیشتر گذشت تنها با استناد به اینکه ساختن چیزی در زمان معصومان: رایج نبوده، نمی توان آن را بدعت شمرد.

نکتهٔ دیگری که در ارتباط با مناره در کتاب‌های فقهی مطرح شده این است که مستحب است مناره را در دیوار مسجد بسازند؛ زیرا ساختن پایه‌های مناره در وسط مسجد سبب می‌شود بخشی از فضای مسجد اشغال شود یا به اتصال صف‌های نمازگزاران خلل وارد آید و باعث اشکال در نماز جماعت شود. بلکه برخی از فقیهان همچون شیخ طوسی، بر آنند پس از آن که عنوان مسجد بودن برای زمینی تحقق یافت، جایز نیست پایه‌های مناره را در آن قرار داد؛<sup>۸۵</sup> زیرا هرگاه زمینی مسجد شد در حقیقت به جایگاه عبادت اختصاص یافته و باید به گونه‌ای در آن طراحی نمود که بتوان از جای جای آن برای عبادت بهره برداری کرد.

### گنبد مسجد

ما در بارهٔ ساخت گنبد برای مسجد به توصیهٔ خاصی از پیشوایان دین در جانب نفی یا اثبات برخورد نمودیم. ظاهراً ساخت گنبد برای مسجد تا زمان حضور معصومان: رایج نبوده است. برای ما روشن نیست که اگر آنان با گنبد مسجد مواجه می‌شدند آیا آن را به کلی بدعت و ناروا می‌شمردند، یا اینکه در برابر آن سکوت می‌کردند و یا آن را صریحاً مورد تأیید قرار می‌دادند؟

به هر حال همان گونه که پیشتر گذشت بر پایهٔ موازین دینی تنها به این دلیل که ساخت و ساز چیزی در زمان معصومان: رایج نبوده، نمی توان آن را بدعت شمرد. اصل این است که انجام کارها تا زمانی که از آن نهی نشده، مباح است. از این رو دلیلی بر کراهت یا حرمت گنبد سازی برای مسجد در دست نداریم.

هرگاه پرداختن به جنبه‌های جمالی گنبد، حالتی افراط آمیز و همراه با اسراف باشد، چه بسا بتوان به حرمت آن حکم نمود. البته دیدگاه دیگری در این باره معتقد است که صرف مال در این گونه زمینه‌ها چون نوعی تعظیم شعائر دینی است، اسراف نیست.

هرگاه ساخت گنبد با توجه به جنبه‌های حفاظتی آن و نقشی باشد که در استحکام بنای مسجد ایفا می‌کند، حکم مسئله متفاوت خواهد بود. زیرا چنانکه گذشت استوار سازی مسجد اصلی است که تا مرز امکان باید مراعات شود.

با توجه به اینکه گنبد جزئی از اجزای مسجد است، مباحثی که پیرامون طلاکاری و نقاشی

مسجد گذشت شامل گنبد نیز خواهد بود.

### محراب مسجد

برخی از دانشمندان لغت شناس گفته‌اند: محراب مسجد را از آن رو محراب نامیده‌اند که محل جنگ و ستیز امام با شیطان و هوای نفس است. بعضی برآنند که محراب را از آن رو محراب گفته‌اند که انسان باید در آن جا حریب یعنی عاری از اشتغالات دنیوی و پریشانی فکر و اندیشه باشد. عده‌ای معتقدند محراب در اصل به معنای صدر مجلس در خانه است، سپس صدر مسجد را هم محراب نامیده‌اند. گروهی بر عکس بر آنند که محراب در اصل در مورد صدر مسجد به کار رفته، سپس صدر اتاق را هم محراب نامیده‌اند.<sup>۸۶</sup>

مسجد پیامبر (ص) حتی تا زمان خلفا، فاقد محلی به نام محراب بوده است. به عقیده برخی از دانشمندان، عمر بن عبدالعزیز اولین کسی است که در مسجد، محراب ساخته است.<sup>۸۷</sup> البته از قرآن مجید استفاده می‌شود که در ادیان پیشین نیز مکانی به نام محراب وجود داشته است؛ مانند محراب حضرت سلیمان، زکریا و مریم علیهم السلام.<sup>۸۸</sup> هر چند چگونگی این محراب‌ها به درستی برای ما روشن نیست.

ساختن محراب به معنای ایجاد نشانه‌ای بر روی دیوار مسجد و یا همراه با اندکی فرو رفتگی که سمت قبله را نشان دهد، کراهتی ندارد. در کتابهای فقهی، ساختن «محراب داخل» مکروه شمرده شده. چنانکه گذشت، امیرالمؤمنین (ع) محراب مساجد را می‌شکست و می‌فرمود: این‌ها همچون محراب معبد یهودیان است.<sup>۸۹</sup>

در باره معنای «محراب داخل» - که از آن نهی شده - اتفاق نظر وجود ندارد. برخی معتقدند محراب داخل، محرابی است که مستقل از دیوار مسجد ساخته شود. این احتمال هم وجود دارد که مقصود از محراب داخل، محرابی است که زیاد در دیوار مسجد فرو رفته باشد؛ به گونه‌ای که دیوار محراب باعث شود میان امام با مومنینی که در صف اول در دو طرف او قرار گرفته‌اند، فاصله ایجاد شود. گروهی دیگر بر آنند محرابی که در روایات از آن نهی شده، مقصوره‌هایی است که در مسجد می‌ساخته‌اند.

واژه «مقصوره» به معنای اتاق کوچک است. این اتاق مخصوص به امام جماعت و دارای یک دریچه کوچک بوده که مردم تنها از همان دریچه، امام جماعت را می‌دیدند.

در باره تاریخ پیدایش مقصوره در مساجد برخی معتقدند اولین کسی که در مسجد، مقصوره ساخت عثمان بن عفان خلیفه سوم بوده است.<sup>۹۰</sup> علت این کار ترسی بود که پس از کشته شدن خلیفه دوم برای عثمان پیدا شده بود. گروهی مروان بن حکم، خلیفه اموی را اولین سازنده مقصوره دانسته‌اند.<sup>۹۱</sup> برخی هم بر آنند معاویه اولین کسی است که در مسجد مقصوره ساخت؛ زیرا پس از آن که یکی از خوارج به نام برک بن عبدالله در نماز به او حمله کرد، همواره از ترور شدن بیم داشت.<sup>۹۲</sup>

به هر حال در روایات اهل بیت: از ساختن مقصوره در مسجد، نهی شده و بدعت به شمار آمده است.<sup>۹۳</sup> ساختن مقصوره در مسجد علاوه بر آن که بدعت است، میان امام و مأوم فاصله ایجاد می‌کند و سبب اشکال در نماز جماعت می‌شود. زیرا کسانی که در صف اول نماز پشت سر امام و یا در دو طرف او ایستاده‌اند، باید امام را ببینند.

از سوی دیگر یکی از کارکردهای مسجد این است که امتیازهای موهوم مادی را نفی می‌کند و به مسلمانان رنگ وحدت و همگونی می‌بخشد. مسجد بسان دریایی است که قطره‌ها با پیوستن به آن، هویت شخصی خود را از دست می‌دهند و دارای هویتی جدید و وحدت‌گرایانه می‌شوند. ساختن مقصوره در مسجد نمایانگر نوعی تمایز و تشخیص مادی است و این با روح مسجد و رسالت آن همخوانی ندارد.

علاوه بر مقصوره، ساختن محراب‌هایی که دارای فرو رفتگی و عمق زیادی در دیوار باشد، نیز حُسنی ندارد. زیرا چنانکه گذشت کسانی که در صف اول نماز پشت سر امام و یا در دو طرف او ایستاده‌اند، باید امام را ببینند. فرو رفتگی زیاد محراب سبب می‌شود تا کسانی که در صف اول در دو طرف امام ایستاده‌اند، نتوانند او را ببینند.

متأسفانه در بسیاری از مساجد، محراب‌هایی با فرو رفتگی زیاد در دیوار ساخته می‌شود. معمولاً امام جماعت برای رفع اشکال یاد شده مجبور می‌شود بیرون از محراب بایستد و فضای داخلی محراب عملاً بی‌استفاده می‌ماند.

در ساختن محراب هم چنین باید توجه داشت که جای ایستادن امام از جای مأومان بلندتر نباشد. به علاوه، مسلمانان محراب مسجد را نمایانگر سمت و سوی قبله می‌دانند. یعنی هرگاه انسان به اشتباه بودن قبله مسجدی علم و یقین نداشته باشد، می‌تواند بر آن اعتماد کند. زیرا ققیهان متفقند که محراب مساجد مسلمانان یکی از امارات ظنی است که برای تعیین سمت قبله می‌توان بر آن اعتماد نمود.<sup>۹۴</sup>

از این رو لازم است محراب مسجد در نشان دادن قبله هرچه دقیق‌تر باشد. بویژه آن که به نظر بسیاری از فقها امارات ظن‌آوری که نشانگر سمت قبله است تنها در صورتی معتبر شناخته می‌شود که دستیابی به «علم» و «یقین» ممکن نباشد.<sup>۹۵</sup>

پیامبر(ص) نسبت به دقیق بودن قبله مساجد اهمیاتی خاص داشت؛ تا آن جا که در مواردی شخصاً برای تعیین سمت قبله مساجد تازه‌ساز حضور می‌یافت.<sup>۹۶</sup> بدیهی است پرداختن به بررسی راههای علمی و شرعی تعیین قبله خود موضوعی دامنه‌دار است و در این مختصر نمی‌گنجد.

#### منبر

منبر مسجد، بیشتر یک جزء خارجی حساب می‌شود تا بخشی از آن؛ زیرا منبر معمولاً به صورت جزئی مستقل از بنای مسجد با چوب، فلز، سنگ و... ساخته می‌شود. گرچه گاهی منبر

را به صورت فرورفتگی داخل دیوار مسجد طراحی کرده‌اند.

در اسلام، اولین منبر برای مسجد پیامبر(ص) ساخته شد. پیامبر(ص) در آغاز با تکیه به یکی از ستون‌های مسجد و به طور ایستاده برای مردم سخنرانی می‌کرد. این روش برای وی خسته‌کننده بود. به علاوه با افزایش شمار مسلمانانی که در مسجد حاضر می‌شدند، ادامه این روش دشواری‌هایی به همراه داشت. از این رو منبری از چوب برای پیامبر(ص) ساخته شد.<sup>۹۷</sup> در باره اینکه چه کسی ساختن منبر را پیشنهاد نموده، نقل‌های گوناگونی وجود دارد. از برخی نقل‌ها چنین بر می‌آید که پیامبر(ص) خود پیشنهاد ساختن منبر را داده است.<sup>۹۸</sup> گویا پیامبر(ص) یک سابقه ذهنی از منبر داشته است. معاذ یکی از یاران پیامبر(ص) از وی نقل کرده که فرموده است: «اگر به هنگام سخنرانی بر منبر بنشینم، ابراهیم(ع) هم قبلاً منبر داشته است؛ و اگر به عصا تکیه کنم، باز هم به روش ابراهیم عمل کرده‌ام.»<sup>۹۹</sup> اگر این نقل درست باشد، معلوم می‌شود که ساختن منبر برای سخنرانی دارای پیشینه تاریخی زیادی است. برخی گفته‌اند: پیشنهاد دهنده ساخت منبر، مرد یا زنی از انصار بوده است. در کتابهای تاریخی نامهای متعددی برای این مرد یا زن انصاری ذکر شده است. از عایشه هم نقل شده که یک مرد رومی، پیامبر(ص) را در حال تکیه زدن به ستون مسجد دید. گفت: اگر محمد بخواهد برای او چیزی می‌سازم که از این حالت راحت‌تر باشد. پیامبر(ص) چون این را شنید به دنبال وی فرستاد و او منبر را ساخت.<sup>۱۰۰</sup>

برخی هم پیشنهاد ساخت منبر را به تمیم داری - یکی از یاران پیامبر(ص) - نسبت داده‌اند. ابن سعد در «الطبقات» گفته است: تمیم داری که خود از اهل فلسطین بوده، قبلاً در شام منبر را دیده بود. چون سخنرانی به طور ایستاده برای پیامبر(ص) دشوار بود، تمیم پیشنهاد ساخت منبر را با پیامبر(ص) در میان گذاشت. پیامبر(ص) در این باره با مسلمانان مشورت نمود! و آنان موافقت نمودند. آنگاه منبر توسط کلاب، غلام عباس بن عبدالمطلب ساخته شد.<sup>۱۰۱</sup>

منبر پیامبر(ص) با محل نشستن مجموعاً سه یا چهار پله داشته است. بلندی آن در حدود دو ذراع و طول و عرض آن نیز یک ذراع یا قدری بیشتر بوده است.<sup>۱۰۲</sup> بر پایه نقل مورخان، این منبر در سال هفتم یا هشتم هجری ساخته شد و تا سال ۶۵۴ ه.ق. همچنان موجود بوده، ولی در این سال در آتش سوزی مسجد پیامبر(ص) از بین رفته است.<sup>۱۰۳</sup> به هر رو ساختن منبر برای پیامبر(ص) سبب شده تا مسلمانان همواره برای منبر نوعی قداست قایل باشند؛ قداستی که برای صندلی و مانند آن قایل نیستند.

به نظر می‌رسد اکنون جنبه نمادین منبر بر جنبه کاربری آن فزونی دارد. به سخنی دیگر، منبر نوعی بنای سمبلیک است و در حقیقت یادآور همان منبر پیامبر(ص) و قداست آن است. از این رو چه بسا می‌توان ساخت و ساز منبر را نوعی سنت و بزرگداشت راه و روش و یاد پیامبر(ص) دانست.



آنچه در باره منبر گفتنی است اینکه در زمان ما با وجود بلندگو و امکانات پیشرفته صوتی و تصویری نیازی به ساخت منبرهای عریض و طویل نیست. منبرهای بلند که ساخت و ساز آن در گذشته بیشتر متداول بود، جنبه کاربردی داشت. خطیب از فراز منبر بلند، تسلط بیشتری بر شنوندگان داشت و بهتر می توانست مجلس وعظ و خطابه را کنترل کند. ضمن اینکه شنوندگان هم بهتر می توانستند خطیب را ببینند. دیدن خطیب و حرکات بدنی او شنوندگان را کمک می کرد تا گفتمان وی را آسانتر بفهمند. البته چه بسا این نکته هم که منبر بلند یادآور جایگاه بلند خطیب و واعظ است، مورد توجه بوده است.

در دوران ما تقریباً این جنبه های کاربردی منتفی شده. بویژه آن که منبر پیامبر (ص) هم دارای سه یا چهار پله بوده است. برای اولین بار معاویه، مروان والی خود بر مدینه را فرمان داد تا بر پله های منبر پیامبر (ص) بیفزاید و مروان شش پله از سمت پایین بر آن افزود. البته مهدی، خلیفه عباسی در سال ۱۶۱ ه.ق. فرمان داد تا منبرهای مساجد را به اندازه منبر اولیه پیامبر (ص) بسازند.<sup>۱۰۴</sup>

چنانکه پیشتر گذشت هرگاه مکانی به مسجد اختصاص یابد، باید طراحی آن به گونه ای صورت پذیرد که تا مرز امکان بتوان از بخش بخش آن برای عبادت و نماز بهره برداری کرد. از همین رو برخی فقیهان قرار دادن منبر بزرگ در شبستان مسجد کوچک را روا ندانسته اند.<sup>۱۰۵</sup> زیرا در این صورت، بخش قابل توجهی از فضای مسجد بی استفاده می ماند. نکته دیگر اینکه هرگاه شرایط اجازه دهد تا منبر در دیوار مسجد جاسازی شود، مناسب خواهد بود. در این صورت، منبر به هنگام استفاده از آن از جای خود بیرون می آید و در مواقعی که مورد استفاده نیست، در محل خود قرار می گیرد. این کار در ضمن باعث می شود تا شبستان مسجد یک دست بماند.

جاسازی منبر در سمت قبله مسجد ترجیح دارد. این کار سبب می شود تا شنوندگان هنگام گوش دادن به وعظ و سخنرانی و آمین گفتن برای دعاهای خطیب رو به قبله باشند. چنانکه می دانیم نشستن رو به قبله، همواره و بویژه در مسجد و در حال دعا کردن مستحب است. از طرف دیگر هرگاه مجالس سخنرانی میان دو نماز و یا پس از آن باشد، مجلس به آرایش و ترکیب جدیدی نیاز ندارد؛ سخنران می تواند در همان حال که نمازگزاران در جای خود نشسته اند، بی آن که فاصله زیادی از محراب تا منبر پیماید و احیاناً نظم مجلس به هم بخورد به سخنرانی بپردازد.

### چگونگی ستون های مسجد

وجود ستون های عریض در مسجد، چنانچه اتصال صف های نماز جماعت را بر هم زند، باعث اشکال در نماز جماعت می شود. از این رو جا دارد تا آن جا که اصول و مقررات معماری اجازه می دهد، از ساختن ستون های پهن در مسجد خودداری کنیم؛ تا هم از فضای

مسجد استفاده بهینه شود و هم اشکالی در نماز جماعت به وجود نیاید. به ویژه هرگاه ساختن ستون برای مسجد پس از تحقق عنوان مسجد بودن باشد، نمی توان بدون نیاز و ضرورت، ستون های عریض در مسجد بنا کرد؛ زیرا این کار موجب می شود فضایی که به عبادت تخصیص یافته، بدون جهت به هدر رود. از سوی دیگر حضور در مسجد برای انجام نماز و عبادت، دارای جنبه های اجتماعی نیز هست. یکی از رسالت های مسجد این است که به خوبی نمایانگر اجتماع پرشکوه مسلمانان و وحدت و یکرنگی آنان باشد. شبستان یک دست بهتر می تواند حضور منظم و یکپارچه مسلمانان را نمایش دهد و تصویری از وحدت مسلمانان به دست دهد. چنین فضایی سبب می شود تا کسی که به مسجد رفت و آمد می کند یا حتی کسی که یک بار صف نماز جماعت مسلمانان را دیده است، یادی از این شکوه و عظمت را در خزانه خیال داشته باشد.

به علاوه هر فضای معماری، نوعی خاص از مکان را می طلبد. <sup>۱۰۶</sup> هرگاه بخواهیم نوع مکان را در فضای معماری مسجد تعیین کنیم باید بگوییم یکی از کارکردهای مسجد آن است که مکانی است برای دیدن و دیده شدن. مسلمان در مسجد باید با انبوه برادران دینی خود آشنا شود و از سیمای آنان، ایمان و صفا و صمیمیت را الهام بگیرد. ساختن ستون های عریض در مسجد به گونه ای که گویا فضای شبستان متشکل از حجره ها و بخش های متفاوت و از هم جداست، سبب می شود تا مسجد در ایفای این نقش ناتوان باشد. با این حال، برخی از مساجد به گونه ای است که در اوقات معینی جمعیتی فراوان در آن حضور می یابند و برخی اوقات نیز تعداد کمی برای نماز در آن جاگرد می آیند. تقسیم بندی مناسب و ماهرانه فضا در چنین مساجدی سبب می شود تا حتی در مواقعی که شمار نمازگزاران مسجد کم است، تعداد آنان کم جلوه ننماید و اجتماع مسلمانان شکوهمند جلوه گر شود.

#### محل در ورودی شبستان مسجد

نماز گزاردن رو به روی در باز مکروه است. شاید از آن رو که در باز معمولاً محل رفت و آمد دیگران است و به طور طبیعی سبب پریشانی فکر و خاطر نمازگزار می شود. از این رو جا دارد تا آن جا که ممکن است در ورودی به شبستان مسجد در سمت مقابل قبله باشد و نه در سمت قبله؛ تا آنان که به مسجد وارد می شوند از رو به روی نمازگزاران عبور نکنند. رعایت این نکته به نظم صف های نماز جماعت - که مستحب است و فراوان بر آن تأکید شده - نیز کمک می کند.

#### در ورودی مخصوص بانوان

در باره اختصاص دادن دری ورود بانوان به مسجد به توصیه خاصی از پیشوایان دین

برخورد نمودیم. گرچه مسجد پیامبر (ص) در مدینه اکنون دارای دری به نام «باب النساء» است؛ ولی پیشینه تاریخی آن چندان روشن نیست. در کتاب‌های تاریخی، احداث این در به خلیفه دوم نسبت داده شده است.<sup>۱۰۷</sup> گرچه از عبدالله بن عمر هم نقل شده که پیامبر (ص) در هنگام احداث مسجد و اختصاص محلی به در ورودی فرموده است: «کاش این در را به زنان اختصاص می‌دادیم».<sup>۱۰۸</sup>

به هر حال، حُسن این کار روشن است. ما می‌توانیم از تأکیدهای فراوان دین نسبت به پوشیدگی زنان و پرهیز از اختلاط آنان با مردان در همه جا و بویژه در گذرگاه‌ها و راه‌های عبوری، به روشنی استفاده کنیم که تخصیص دری برای ورود بانوان به مسجد کاری نیکو و پسندیده است.

#### محل دستشویی و وضوخانه مسجد

مستحب است دستشویی و وضوخانه در کنار مسجد با رعایت فاصله مناسب از آن ساخته شود و نه در محدوده داخل مسجد. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است:

«وَأَجْعَلُوا مَطَاهِرَكُمْ عَلَىٰ أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ»<sup>۱۰۹</sup>

«دستشویی را در کنار مسجد قرار دهید».

این کار باعث می‌شود فضای مسجد از بوی دستشویی دور بماند. ضمن اینکه مسجد کمتر در معرض نجس شدن قرار می‌گیرد و با احترام و قداست خانه خدا نیز سازگارتر است. البته روشن است که ساختن دستشویی و وضوخانه در بخشی جایز است که عنوان مسجد را پیدا نکرده باشد؛ زیرا هرگاه محلی، عنوان مسجد را پیدا کرد، نجس کردن آن حرام است و نمی‌توان آن را از مسجد بودن خارج کرد و به دستشویی و وضوخانه تبدیل نمود.

#### سهولت تنظیف مسجد

اسلام علاوه بر مراعات طهارت شرعی مسجد، بر بهداشت و نظافت آن نیز فراوان تأکید کرده است. پیامبر (ص) مسلمانان را به حفظ بهداشت و پاکی مساجد فرمان می‌داد.<sup>۱۱۰</sup> روایاتی که پاداش و فضیلت غبارروبی از مسجد را بیان می‌کند، نشان می‌دهد که اسلام تا چه اندازه به بهداشت و نظافت مسجد اهتمام دارد.

یکی از راه‌های دستیابی به این هدف آن است که در طراحی مسجد و استفاده از نوع مواد ساختمانی، این اصل همواره مورد توجه قرار گیرد. یعنی اینکه مسجد را با طرح و مصالحی بنا کنیم که تنظیف و بهداشت آن، آسانتر باشد. زیرا برخی مواد از قابلیت تنظیف بیشتری برخوردارند. سزاوار است این اصل حتی در مورد سیستم‌های گرم‌کننده و سردکننده مسجد نیز مورد توجه قرار گیرد.

در همین راستا بجاست کفش‌کن مناسب در کنار در ورودی مسجد پیش‌بینی شود. در

رهنمودهای دینی تأکید شده که مسجد نباید در معرض آلوده شدن به نجاست قرار گیرد؛ تا آن جا که پیامبر (ص) فرموده است:

«تَعَاهَدُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ»<sup>۱۱۱</sup>  
 «هنگام ورود به مسجد کفشهایتان را بررسی کنید».

پیش‌بینی کفش‌کن مناسب برای مسجد هم زمینه عمل به این رهنمود را فراهم می‌آورد و هم به رعایت بهداشت و نظافت مسجد کمک می‌کند.

تناسب مساحت مسجد با جمعیت منطقه در نصوص دینی، اشاره‌هایی در بارهٔ وسیع ساختن مسجد وجود دارد. مثلاً در حدیث آمده است که: «روزی پیامبر (ص) بر گروهی که مشغول ساختن مسجدی بودند، عبور کرد؛ فرمود: «مسجد را وسیع و جادار بسازید و پس از ساخته شدن آن را از جمعیت پر کنید. آنان به فرمان پیامبر (ص) مسجد را وسیع ساختند».<sup>۱۱۲</sup>

در باب مسکن روایات فراوانی وجود دارد که پیشوایان دین، مسلمانان را به داشتن خانهٔ وسیع سفارش نموده‌اند و آن را یکی از نشانه‌های سعادت انسان بر شمرده‌اند.<sup>۱۱۳</sup> بر عکس تنگی خانه از بدبختی‌های زندگی و نشان شومی آن به شمار آمده است.<sup>۱۱۴</sup> به علاوه قرآن کریم، جهنم را مکانی تنگ و تاریک توصیف نموده و بر عکس بهشت را جایگاهی وسیع و پر دامنه.<sup>۱۱۵</sup>

انسان فطرتاً مکان باز و وسیع را دوست دارد و از اقامت در جای تنگ بیزاری می‌جوید. از این رو همواره یکی از شکنجه‌ها برای بشر این بوده که او را در مکانی تنگ زندانی کنند. خداوند متعال، زمین و آسمان را که یکی محل زندگی انسان و دیگری منظر و دیدگاه همیشگی اوست، وسیع آفریده است: (إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ)<sup>۱۱۶</sup> (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ)<sup>۱۱۷</sup>.

از سوی دیگر در فرهنگ قرآن مجید یکی از نام‌های مسجد، بیت یعنی خانه است.<sup>۱۱۸</sup> معمولاً نام اشیا بویژه هرگاه نامگذاری از سوی حکیمی انجام گیرد، دارای باری متناسب با همان چیز است. واژه «بیت» که از مادهٔ بات است، مفهوم اقامت کردن، استراحت کردن و به آسایش رسیدن را به همراه دارد. قرآن مجید تصریح نموده که یکی از رسالت‌های خانه، ایجاد آرامش و سکون برای انسان است؛ (وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا)<sup>۱۱۹</sup>  
 پس، از نظر بحث واژه‌شناسی می‌توان گفت: مسجد علاوه بر آن که محل سجده و عبادت است، جایگاه سکونت و دستیابی به آرامش نیز هست. از همین رو در روایات توصیه شده تا مسلمانان به هنگام بروز مشکلات و دغدغه‌ها به مسجد و نماز پناه ببرند.<sup>۱۲۰</sup> مسجد در گفتار پیشوایان دین به آشیانهٔ پرندگان که محل استراحت آنهاست، تشبیه شده.<sup>۱۲۱</sup>  
 گرچه آرامش و سکونی که انسان در مسجد بدان دست پیدا می‌کند، بیشتر از مقولهٔ آرامش

معنوی و روحانی است؛ ولی تردیدی نیست که چگونگی معماری مسجد هم در پیدایش این آرامش مؤثر است. فضایی تنگ و خفقان آور که انسان در انتظار بیرون رفتن از آن، لحظه شماری می‌کند چگونه می‌تواند آدمی را از دغدغه‌ها و ارهاند و به ساحل آرامش و سکون برساند؟

روایات فراوانی ما را توصیه می‌کند تا در مسجد اقامت طولانی و البته مفید داشته باشیم. تا آن جا که نشستن در مسجد به انتظار بر پای نماز جماعت خود نوعی عبادت است. حتی نقل شده که یکی از یاران پیامبر (ص) به نام عثمان بن مظعون قصد داشت به رهبانیت و گوشه نشینی پردازد. پیامبر (ص) او را از این کار باز داشت و فرمود: رهبانیت پیروان من این است که همدم و آنیس مسجد باشند.<sup>۱۲۲</sup>

ما می‌توانیم از این روایات بی‌شمار که این اندازه بر حضور در مسجد و انس گرفتن با آن تأکید می‌کنند، به طور ضمنی چنین برداشت کنیم که معماری و بنای مسجد باید به گونه‌ای باشد که زمینه حضور فراوان و طولانی در مسجد را فراهم سازد. چگونه ممکن است پیشوایان دین، مسلمانان را توصیه نمایند تا در مکان تنگ و تاریکی که انسان بیش از چند دقیقه تحمل حضور در آن را ندارد، برای مدت طولانی بنشینند و همواره با آن جا مانوس باشند؟

از سوی دیگر ساختن مساجد بسیار بزرگ و نامتناسب با جمعیت منطقه نیز لطفی ندارد. این کار چه بسا نوعی به هدر دادن امکانات به شمار آید. هرگاه فضای تخصیص یافته به مسجد بیش از نیاز باشد، مسجد نمی‌تواند صحنه‌ای پرشکوه از خیل نمازگزاران ارائه دهد؛ زیرا در این صورت همواره بخش بزرگی از مسجد خالی است. فضای چنین مسجدی بر خلاف واقع، کمی مؤمنان و دینداران و ضعف آنان را نشان می‌دهد، حال آن که رسالت مسجد درست بر خلاف این است. از این رو شاید بتوان گفت: معنای سخن پیشین پیامبر (ص) این است که مسجد را چندان وسیع بسازید که پُر از جمعیت باشد. ضمن اینکه نگهداری و اداره مساجد بزرگ، دشواری‌های خاصی را به همراه دارد.

افزون بر این همه، در سخنان پیشوایان دین از ساختن هر بنا و ساختمانی که بیش از اندازه نیاز باشد، شدیداً نهی شده است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «هر بنایی که بیش از اندازه نیاز باشد، در روز قیامت باری بر دوش صاحب آن خواهد بود».<sup>۱۲۳</sup>

گرچه این گونه روایات بیشتر ناظر به اماکن شخصی است؛ ولی می‌توان مفاد آن را در مورد ساخت و ساز مساجد نیز جاری دانست. به علاوه هرگاه به ساختمانی نیاز نباشد، هیچ دلیل عقلی و منطقی وجود ندارد که وقت و سرمایه خود را در راه ساخت آن به هدر دهیم.

پس مسجد باید از نظر فضا وسیع باشد، به گونه‌ای که مؤمنان در آن جا احساس تنگی و فشار نکنند. با توجه به اینکه وسعت و تنگی دو مفهوم نسبی است، معنای این سخن آن است که مساحت مسجد با جمعیتی که معمولاً در آن حضور می‌یابد، متناسب باشد.

این همان اصلی است که امروزه در ساختن همه مکانهای عمومی مورد توجه قرار

می‌گیرد. یعنی مکان عمومی را با توجه به میزانی که از آن بهره‌وری می‌شود، می‌سازند. طبیعی است که در این زمینه تنها به شرایط و اوضاع کنونی توجه نمی‌شود؛ بلکه عواملی مانند طول عمر بنا، میزان رشد جمعیت منطقه و... نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. مخصوصاً با توجه به اینکه مساجد معمولاً استوار ساخته می‌شود و گاه یک مسجد برای قرن‌ها پابرجا می‌ماند، در نظر گرفتن آینده باید به طور جدی و دقیق لحاظ شود. نکته دیگر در همین زمینه این است که خراب کردن مسجد به قصد توسعه آن، با محدودیت‌هایی روبه‌روست. برخی از فقیهان خراب کردن مسجد آبادی را که امکان بهره‌وری از آن وجود دارد حتی اگر به قصد توسعه یا تغییر نقشه آن باشد، روا نکرده‌اند.<sup>۱۲۴</sup> به علاوه، توسعه معمولاً همراه با تخریب برخی از قسمت‌ها و به هدر رفتن بخشی از سرمایه همراه است.

در مورد اجزای تخریب شده مسجد نیز محدودیت‌هایی وجود دارد؛ مانند اینکه نمی‌توان به آسانی آنها را دور ریخت؛ بلکه باید تا مرز امکان آنها را در مسجدی دیگر به کار گرفت و از قرار دادن آنها در جاهایی که در معرض هتک حرمت و نجس شدن است، پرهیز نمود. از این رو ترجیح دارد از ابتدا در این باره دوراندیشیهای لازم صورت بگیرد. یعنی هم نقشه مسجد هرچه جامعتر و کاملتر باشد و هم با توجه به رعایت تناسب مساحت با جمعیت، میزان فضای مسجد به اندازه‌ای در نظر گرفته شود که مسجد به زودی نیاز به توسعه نداشته باشد.

این اصل که هرگاه فضایی به مسجد اختصاص می‌یابد، باید حقیقتاً نسبت بدان نیاز باشد، لازم است در ساخت مساجد جدید نیز به خوبی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به تأکیدی که نسبت به حضور در مسجد جامع و مساجد پُرجمعیت صورت گرفته، می‌توان گفت: اسلام خواسته است تاگردهمایی‌های مسلمانان هرچه با شکوهرتر باشد. ساختن مساجد متعدد - بی آن که بدان نیازی باشد - زمینه برگزاری این اجتماعات پرشکوه را از بین می‌برد. البته این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که وجود مساجد فراوان و نزدیک به محل کار و زندگی مردم، حضور آنان در مساجد را آسانتر می‌کند. نمی‌توان از تمام مردمی که در منطقه‌ای بزرگ زندگی می‌کنند انتظار داشت تا برای برپایی نماز، فاصله‌ای طولانی را پیمایند و در مسجد خاصی نماز بگذارند.

#### درختکاری در مسجد

پیش از آن که صیغه وقف و مسجد بودن بر مکانی جاری شود، می‌توان بخشی از آن را به باغچه و درختکاری اختصاص داد. در این صورت، محلی که به باغچه اختصاص یافته، مسجد نیست و احکام مسجد هم بر آن جاری نمی‌شود. ولی هرگاه مکانی شرعاً عنوان مسجد را پیدا کرد به اعتقاد بسیاری از فقیهان شیعه و سنی نمی‌توان آن را به باغچه و جای درختکاری تبدیل

کرد. زیرا مسجد مکانی است که برای نماز و دعا و عبادت بنا شده و تبدیل آن به باغچه، هم نوعی ضرر به مسجد و هم نمازگزاران و مردمی است که برای نماز در مسجد حضور می‌یابند. علامه حلی در کتاب «قواعد» گفته است: «کسی نمی‌تواند در مسجد برای خود درخت بکارد. اگر کسی به این قصد در مسجد درخت بکارد که محصول آن مربوط به مسجد باشد هرگاه این کار باعث ضرر به مسجد یا نمازگزاران شود، جایز نیست؛ ولی چنانچه مایه ضرری نباشد مانعی ندارد.»<sup>۱۲۵</sup>

فرزند فاضل علامه، فخر المحققین نظریه پدر را نپسندیده و بر آن است که درختکاری در مسجد حتی اگر به قصد این باشد که محصول درخت در مسجد صرف شود، باز هم جایز نیست؛ زیرا همه بخش‌های مسجد برای این وقف شده که بتوان در آن نماز و عبادت انجام داد.<sup>۱۲۶</sup>

با این حال از کلمات فقیه نامی، صاحب جواهر چنین برمی‌آید که درختکاری در مسجد تنها در صورتی روا نیست که در عمل موجب ضرر به نمازگزاران باشد. به اعتقاد این فقیه بزرگ، ساختن هر چیزی در مسجد مانند مناره، وضوخانه، باغچه و... تنها در صورتی حرام است که بالفعل موجب ضرر به نمازگزاران باشد.<sup>۱۲۷</sup> یعنی هرگاه مکانی به مسجد اختصاص یافت، لازم نیست طراحی به گونه‌ای باشد که بتوان از همه نقاط آن برای نماز و عبادت بهره‌برداری نمود.

فقهای اهل سنت نیز درختکاری در مسجد را نوعی تضییق بر نمازگزاران دانسته‌اند. گروهی درختکاری در مسجد را حتی اگر مسجد وسیع باشد ظلم و عدوان شمرده‌اند و آن را ناسازگار با هدفی که مسجد برای آن بنا شده، قلمداد کرده‌اند. بر این اساس، نهالی که در مسجد کاشته می‌شود فاقد احترام است و باید آن را از زمین بیرون آورد.<sup>۱۲۸</sup>

برخی از فقهای اهل سنت، درختکاری در مسجد را از آن رو که این کار باعث جلب پرندگان به مسجد و در نتیجه تنجیس آن می‌شود حرام شمرده‌اند. این استدلال مبتنی بر این است که فضولات پرندگان، نجس است. بر اساس فقه شیعه، فضولات پرندگان حلال گوشت طاهر است. ولی در مورد فضولات پرندگان حرام گوشت اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را نجس و گروهی آن را پاک دانسته‌اند.

استدلال اخیر حتی با قطع نظر از طهارت و نجاست فضولات پرندگان، قابل خدشه است. زیرا تنها با استناد به اینکه انجام کاری در مسجد، زمینه‌ساز تنجیس آن می‌شود، نمی‌توان آن کار را حرام دانست. مثلاً اگر فرض شود که وجود گلدسته‌های بلند سبب جلب پرندگان و آلوده کردن مسجد می‌شود آیا می‌توان صرفاً به این دلیل ساختن گلدسته‌های بلند را حرام دانست؟

به هر حال با توجه به گرایش فطری و طبیعی انسان به سرسبزی و درختکاری جا دارد طراحان و معماران مساجد پیش از اجرای صیغه وقف بر زمین، در صورت امکان بخشی از

حیاط و فضای بیرونی آن را به باغچه و گلکاری اختصاص دهند؛ تا فضای مسجد برای نمازگزاران جذاب و دلکش باشد. در این صورت با توجه به اینکه احکام مسجد بر آن بخش جاری نمی‌شود، درختکاری در آن قسمت اشکالی ندارد.

**ساختن خانه امام جماعت در کنار مسجد**  
 تردیدی نیست که امام جماعت، رکن اصلی و محور مسجد است. مسجد در سایه برخورداری از امامی دین شناس و دین پرور است که می‌تواند رسالت‌های مهم خود را در ابعاد عبادی، فرهنگی، سیاسی و... به خوبی ایفا نماید. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:  
 «ای فرزندان آدم! هنگام ورود به مسجد، زینتهای خود را به همراه داشته باشید».<sup>۱۲۹</sup>  
 در تفسیر این آیه از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده است: مقصود از زینت، «امام» است.<sup>۱۳۰</sup>

گرچه شاید مقصود از امام، امام معصوم (ع) باشد. در این صورت گفتار امام ناظر به مسئله داشتن فردی پرهیزگار و برجسته و اقتدا به او هم مایه زینت ظاهری و هم سبب زینت معنوی مسجد است. نماز جماعت از زیباترین صحنه‌هایی است که در مسجد جلوه گر می‌شود. به هر حال شک نباید کرد که وجود عالمی دین شناس و پارسا در مسجد نه تنها مایه زینت نماز و مسجد است؛ که بدون او مسجد از ایفای نقش خود در عرصه‌های گوناگون ناتوان می‌شود. بنابراین باید کاری کنیم که حضور امام در مسجد هرچه آسان‌تر و بیشتر باشد. از جمله اقداماتی که به این کار کمک می‌کند این است که طراحان و معماران مسجد در صورت امکان، مکانی را در کنار مسجد به خانه امام جماعت اختصاص دهند. اگر قدری از هزینه مناره‌های بلند و پر زرق و برق و کاشیکاریهای غیر ضرور بکاهیم، تهیه خانه‌ای ساده و بی‌آلایش برای امام جماعت مسجد کار دشواری نیست.

اجرای این طرح، در حقیقت نوعی پیروی از الگوی مسجد پیامبر (ص) است، که خانه خود را در کنار مسجد و متصل به آن ساخت. عمل به این کار هم چنین سبب می‌شود تا حضور امام جماعت در مسجد هرچه بیشتر و منظم‌تر باشد.

اجرای این طرح در روستاهای مناطق محروم، زمینه‌ساز حضور روحانیون گرامی در مساجد خواهد بود. این کار هم چنین در شهرهای پرجمعیت که مشکل ترافیک گاه حضور منظم امام جماعت در مسجد را با مشکل روبه‌رو می‌کند می‌تواند سودمند باشد.

**احداث کتابخانه و مراکز فرهنگی در کنار مساجد**  
 چنانچه بودجه و امکانات بانیان مسجد اجازه دهد، بسیار بجاست در کنار مسجد که سنگر اصلی مبارزه با امواج ویرانگر فرهنگی است، مراکز فرهنگی نیز بنا شود؛ زیرا یکی از رسالت‌های مهم مسجد، نقش آن در عرصه‌های فرهنگی است. در زمان ما شیوه‌های کار



تبلیغی و آموزشی گسترش یافته و استفاده از فیلم، تئاتر و دیگر ابزارهای نوین رایج شده است. چنانچه مسجد بخواهد در این زمینه‌ها فعال باشد، نمی‌توان تمام این برنامه‌ها را در فضای محدود شبستان مسجد که جای نماز و عبادت است، انجام داد. هرگاه این مراکز بتواند به اندازه‌ی توان خود پاسخگوی نیازهای مردم در زمینه‌ی کتاب، قرائتخانه، نشریات، فیلم، نوار، مراکز اطلاع رسانی و حتی نیازهای تفریحی باشد، زمینه‌ی مناسبی برای جذب جوانان و دانش پژوهان به مسجد فراهم می‌شود.

البته تأکید می‌کنیم چنین مراکزی هرگز ما را از مسجد با همان ویژگی‌هایی که اسلام برای آن در نظر گرفته، بی‌نیاز نمی‌سازد. سخن در این است که باید چنین مجموعه‌هایی را به مسجد اضافه کرد؛ نه اینکه آنها را جایگزین مساجد نمود. از همین رو طراحی و ساخت این مراکز باید به گونه‌ای باشد که مسجد را تحت الشعاع قرار ندهد.

### پارکینگ و سایل نقلیه برای مسجد

مستحب است انسان پیاده به مسجد وارد شود. از جمله اموری که زمینه‌ی عمل به این کار را فراهم می‌کند، احداث پارکینگ مناسب برای وسایل نقلیه در کنار مسجد است. این کار هم مایه آرامش خاطر نمازگزاران است و هم سبب می‌شود از ورود وسایلی همچون موتورسیکلت که گاهی زمین و فضای مسجد را آلوده و اشغال می‌کند، جلوگیری شود. به علاوه، این کار زمینه‌ی مزاحمت‌های احتمالی برای همسایگان مسجد و ایجاد ترافیک در کوچه و خیابان مسجد را نیز از بین می‌برد.

### اجرای طرح‌های نو و سودمند در ساخت مسجد

آنچه تاکنون گفته شد توصیه‌هایی بود که در روایات و سیره‌ی معصومان: به طور صریح یا غیر صریح بیان شده بود.

باید یادآور شد که اسلام از هرگونه نوآوری و خلاقیتی که در ساخت مساجد صورت گیرد، استقبال می‌کند. استفاده از طراحی‌های نو در ساخت و ساز مساجد نه تنها نکوئیده نیست که پسندیده است. زیرا پیامبر (ص) همواره مسلمانان را فرمان می‌داد تا مساجد را نیکو سازند. در سنن ابوداود به نقل از سمره آمده است که:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَأْمُرُنَا بِالْمَسَاجِدِ أَنْ نَصْنَعَهَا فِي دِيَارِنَا وَ نُصَلِّحَ صُنْعَهَا وَ نُطَهِّرَهَا.»<sup>۱۳۱</sup>

«پیامبر (ص) همواره ما را فرمان می‌داد تا در محل زندگیمان مسجد بنا کنیم؛ آن را نیکو بسازیم و پاک و ظاهر نگه بداریم.»

این فرمان پیامبر (ص) یک اصل مهم در ساخت و ساز مسجد در هر شرایط است. بدیهی است نیکوسازی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال مختلف، متفاوت خواهد بود. مهم این

است که نوآوریها برخاسته از روح فرهنگ اصیل اسلامی و همگون با جایگاه والای مسجد و رسالت‌های مهم آن باشد. از این رو پیش‌بینی مواردی مانند اتاق مناسب برای خادم مسجد، پاشویی، حمام، کفش‌کشی، شبستان زنانه، شبستان اضطراری برای بهره‌برداری در هنگامی که در شبستان اصلی، مراسم برگزار می‌شود، انبار برای وسایل مسجد و حتی مکانی برای سکونت غریبان و تازه‌واردان به شهر همگی از اموری است که مورد تأیید شریعت اسلامی است؛ زیرا در بارهٔ موارد یاد شده نه تنها معنی صورت نگرفته، بلکه عقل و ذوق سلیم آن را می‌پسندد. ضمن اینکه موارد یاد شده و مانند آن هر کدام به گونه‌ای مایه گرمی و رونق هرچه بیشتر مسجد می‌شود و از این رو می‌توان آن را گامی در راستای عمران و آبادانی خانهٔ خدا به شمار آورد.

### یادداشت‌ها:

۱. طه الولی، المسجد فی الاسلام، دارالعلم، بیروت، ۱۴۰۹ هـ. ق. ص ۱۴.
۲. محمد بن قتال نیشابوری، روضة الواعظین، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۶ هـ. ق. ص ۳۷۰.
۳. سنن ابن‌ماجه، کتاب المساجد و الجماعات، ج ۱، باب ۲، روایت ۷۴۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ هـ. ق. ص ۲۴۵.
۴. محمد بن عبدالله زرکشی، اعلام الساجد بأحكام المساجد، مصر، ۱۳۸۴ هـ. ق. ص ۳۳۶.
۵. نگاه کنید به مقاله: «هنر دینی و نسبت آن با هنر جدید»، استاد اعوانی، مجلهٔ سوره، تابستان ۱۳۷۰، ص ۱۳۹ - ۱۴۹.
۶. جن: ۱۸.
۷. نگاه کنید به مقاله: «مسجد، گالری هنرهای اسلامی»، نوشتهٔ عبدالحسین زرین‌کوب، چاپ شده در: از چیزهای دیگر، جاویدان، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۷۳-۱۷۷.
۸. اعراف: ۳۱.
۹. ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین (منافقون: ۸).
۱۰. تا آنجا که نگارنده تتبع کرد، در نصوص دینی صریحاً توصیه‌ای نسبت به ساده‌سازی مسجد وجود ندارد. بدین معنا که به آیه یا روایتی برخورد نکردیم که مضمون صریح آن این باشد که مساجد را ساده بسازید.
۱۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۴، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ص ۸۹-۹۰.
۱۲. به نقل از: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶ هـ. ش. هرگاه فعل «أمرنا» در حدیث را به صیغهٔ مجهول بخوانیم، ترجمهٔ حدیث این گونه خواهد بود: ما مأموریم که شهرها را الخ.
۱۳. ابن منظور، لسان العرب، مادهٔ جم.

۱۴. مقصودشان سقف مسجد پیامبر است که با چوب و گیاه پوشیده شده بود. *سنن ابوداود*، ج ۱، ص ۳۳۹.
۱۵. به نقل از: نورالدین علی بن احمد سمهودی، *وفاء الوفاء*، ج ۱، دارالکتب العلمیه، بیروت، ص ۳۳۹.
۱۶. ر.ک: عمر بن شیبّه، *تاریخ المدینه المنوره*، ج ۱، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه.ق.، اُفست، ص ۲۳۵.
۱۷. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۳۹.
۱۸. تیتوس بورکهارت، مقاله «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی»، ترجمه: جلال ستّاری، چاپ شده در *مجموعه مقالات*، ۱، مبانی هنر معنوی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۸۴.
۱۹. عبدالحسین زرّین کوب، «مسجد، کالری هنرهای اسلامی»، همان جا، ص ۱۷۳.
۲۰. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۳۹.
۲۱. همان.
۲۲. به نقل از: حسین زمرشیدی، *مسجد در معماری ایران*، کیهان، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۱.
۲۳. محمّد بن حسن عاملی، *وسایل الشیعه*، ج ۳، باب ۱۵ احکام المساجد، روایت ۲، ص ۴۹۴.
۲۴. محمّدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۸۳، ص ۳۷۶.
۲۵. محمّد بن حسن عاملی، همان جا، ج ۵، باب ۵۹ از ابواب صلاة الجماعة، روایت ۱، ص ۴۶۰.
۲۶. همان، ج ۳، باب ۳۱، از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۵۱۰. (عن علی(ع) أنّه کان یکسر المحاریب اذا رآها فی المساجد و یقول: کأنّها مذابح اليهود.) واژه مذابح، جمع مذبح و در اصل به معنای شکافی است که در اثر جریان سیل در زمین پیدا می شود. یکی از معانی مذبح، محراب و مقصوره است که در معابد یهود و نصاری ساخته می شده است. برخی گفته اند: محراب کنیسه ها را از آن رو مذبح گفته اند که قربانی را در آن جا ذبح می کرده اند (ر.ک: ابن منظور، *لسان العرب*، ماده ذبح).
۲۷. محمّد بن حسن عاملی، *وسایل الشیعه*، باب ۹ از ابواب احکام المساکن، روایت ۱ و ۴، ج ۲، ص ۵۷۱.
۲۸. همان، باب ۳۱ از ابواب احکام الملابس، روایت ۱۰، ص ۳۸۱.
۲۹. همان، ج ۳، باب ۹ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۴۸۷.
۳۰. محمّد باقر مجلسی، همان، ج ۸۳، ص ۳۵۳.
۳۱. عمر بن شیبّه، همان، ج ۱، ص ۷۸.
۳۲. محمّد بن حسن عاملی، همان، ج ۲، باب ۶۰ از ابواب الدفن، روایت ۱، ص ۸۸۳.
۳۳. همان، روایت ۲.
۳۴. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۲۵.
۳۵. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۳۳.
۳۶. همان، ص ۳۳۴.
۳۷. حسین زمرشیدی، همان، ص ۲۴۰.

۳۸. محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۸۸ - ۸۹.
۳۹. همان، ص ۹۰.
۴۰. یا ابن مسعود، سیأتي من بعدي أقوام... هم منافقو هذه الامة في آخر الزمان... بينون الدؤور و يشيدون القصور و يزخرفون المساجد (ابو نصر طبرسی، مکارم الاخلاق، باب ۱۲، فصل ۴، ص ۴۴۹).
۴۱. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، باب ۱۵ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۴۹۴.
۴۲. به نقل از: محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۹۲.
۴۳. همان، ص ۹۳.
۴۴. نام فنی طراحی سردرها، محراب‌ها و دیگر بخش‌های مسجد با گل و بوته، طرح «اریسک» یا «اسلیمی» است. این‌گونه طراحی که در آن از شکل گل و شاخه و برگ گیاهان استفاده می‌شود، یکی از شاخصه‌های آثار هنری هنرمندان مسلمان است. برخی برآن‌اند که این طرح صرفاً عربی یا اسلامی نیست؛ بلکه پیش از اسلام نیز در برخی از مناطق جهان از جمله ایران رایج بوده است.
۴۵. تیتوس بورکهارت، «مدخلی بر اصول و روش هنری»، ترجمه جلال ستاری، چاپ شده در مبانی هنر معنوی، به کوشش: علی تاجدینی.
۴۶. محمد عبدالعزیز مرزوق، الفنون الزخرفیة الاسلامیة فی مصر، ص ۲۲، به نقل از: جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص ۲۰۴.
۴۷. اندازه هر ذراع، فاصله آرنج تا سر انگشت وسط است.
۴۸. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، باب ۶ از ابواب احکام المساکن، روایت ۲، ص ۵۶۶.
۴۹. همان، ج ۳، باب ۱۵ از ابواب احکام المساجد، روایت ۳، ص ۴۹۴.
۵۰. همان، ج ۳، باب ۶ از ابواب احکام المساکن، روایت ۴، ص ۵۶۷.
۵۱. ر.ک: محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۷۵.
۵۲. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، باب ۹ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۴۸۷.
۵۳. همان، ج ۵، ص ۱۱۷، باب ۱۷ از ابواب صلاة العید و ص ۱۶۶، باب ۱۴ از ابواب صلاة الاستسقاء.
۵۴. همان، ج ۳، ص ۴۸۸، باب ۹ از ابواب احکام المساجد، روایت ۴.
۵۵. همان، روایت ۲.
۵۶. محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۷۶.
۵۷. همان.
۵۸. زین‌الدین جیبی عاملی (شهید ثانی) الروضة البهیة، ج ۱، ص ۲۱۵.
۵۹. ر.ک: محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۷۷.
۶۰. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۷۹۲.
۶۱. همان، ص ۷۸۴.

۶۲. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۵، باب ۱۷ از ابواب صلاة العید، روایت ۲، ص ۱۱۷.
۶۳. همان، ص ۱۱۸، روایت ۷.
۶۴. همان، روایت ۵ و ۱۰.
۶۵. رک. : محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۱۰۷، باب ۵ و ۱۱۵.
۶۶. سنن بیهقی، ج ۲، کتاب الصلاة، ص ۲۳۹.
۶۷. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، باب ۹ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۴۸۷.
۶۸. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۳۵.
۶۹. همان، ص ۳۳۶.
۷۰. محمد بن عبدالله زرکشلی، اعلام الساجد بأحكام المساجد، ص ۳۳۶.
۷۱. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، ص ۵۶۵، باب ۵ از ابواب احکام المساکن.
۷۲. نور: ۳۶.
۷۳. توبه: ۱۸.
۷۴. نگاه کنید به: حسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقہیة، ج ۱، ص ۱۵۷، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۷۵. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۵، ص ۳۷۲، باب ۱ از ابواب صلاة الجماعة، روایت ۹.
۷۶. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۵۲۵.
۷۷. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، ص ۴۹۴، باب ۱۵ از ابواب احکام المساجد، روایت ۵.
۷۸. کلمة جم جمع جماء و آن، مؤنث أجم است. اجم در اصل به معنای گوسفند بی شاخ است. این واژه بعدها در چیزهای صاف نیز استعمال شده است؛ مثلاً به قصری که بالای آن صاف و بدون کنکره باشد، اجم گفته می‌شود. (ابن منظور، همان، ماده جم)
۷۹. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، ص ۵۰۵، باب ۲۵، از ابواب احکام المساجد، روایت ۱.
۸۰. همان، ج ۴، ص ۶۴۰، باب ۱۶ از ابواب الاذان و الاقامة، روایت ۷.
۸۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، دارالقلم، بیروت، ص ۱۵۶.
۸۲. کامل سلمان الجبوری، مساجد الکوفة، ص ۱۴، به نقل از خطط مقریزی، ج ۴، ص ۴۴.
۸۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۲۳ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۳۸۴.
۸۴. محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۸۰.
۸۵. همان، ص ۷۹.
۸۶. حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۱۰.
۸۷. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۵۲۵.
۸۸. سبأ: ۱۳؛ آل عمران: ۳۷ و ۳۹.
۸۹. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، باب ۳۱ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱، ص ۲۵۱.



۱۱۶. عنكبوت: ۵۶.
۱۱۷. الذاریات: ۴۷.
۱۱۸. فی بُیُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ (نور: ۳۶).
۱۱۹. نحل: ۸۰.
۱۲۰. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۵، باب ۶ از ابواب صلاة الكسوف و الآیات، روایت ۲، ص ۱۴۸.
۱۲۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۳ از ابواب احكام المساجد، روایت، ۱۴ ص ۳۶۱.
۱۲۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۸۳، ص ۳۸۲.
۱۲۳. محمد بن حسن عاملی، همان، ج ۳، ص ۵۸۷، باب ۲۵ از ابواب احكام المساكن، روایت ۱.
۱۲۴. رک. : محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۸۲.
۱۲۵. محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (فخرالمحققین)، ایضاح الفوائد، ج ۲، ص ۴۰۵.
۱۲۶. همان.
۱۲۷. محمد حسن نجفی، همان، ج ۱۴، ص ۷۹.
۱۲۸. محمد بن عبدالله زرکشی، همان، ص ۳۴۱ - ۳۴۳.
۱۲۹. اعراف: ۳۱.
۱۳۰. تفسیر عیاشی، ج ۲، اسلامیة، تهران، ۱۳۸۰ هـ. ق، ص ۱۲.
۱۳۱. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۲۵.

### منابع و مأخذ:

- اعلام الساجد بأحكام المساجد، محمد بن عبدالله زرکشی، قاهره، ۱۳۸۴ هـ. ق، تحقیق: مصطفی المراغی.
- ایضاح الفوائد، محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (فخرالمحققین)، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۸ هـ. ق، چاپ اول.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تهران، اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- تاریخ المدينة المنورة، عمر بن شبة، دارالفکر، قم (أفست)، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق، تحقیق: فهیم محمد شلتوت.
- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، اسلامیة، تهران، ۱۳۸۱ هـ. ق، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی.
- جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، (شرح لمعة) زین الدین جبعی عاملی، علمیة، قم، أفست از چاپ مطبعة الآداب، نجف اشرف، ۱۳۸۷ هـ. ق، تحقیق: سید محمد کلانتر.

